

متن و ترجمه دعای ابوحمزه ثمالی

<?xml encoding="UTF-8">



متن دعای ابوحمزه ثمالی

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشاینده مهربان

«إِلَهِي لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ وَلَا تَمَكِّرْ بِي فِي»

خدایا مرا به مجازات و عقوبت ادب مکن و مکر مکن به من

«حِيلَتِكَ مِنْ آيِنَ لِي الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَلَا يُوْجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ وَمِنْ آيِنَ»

با حيله ات. از کجا خیری به دست آورم ای پروردگار من با اینکه خیری یافت نشود جز در پیش تو و از کجا

«لِي النِّجَاهُ وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَعْنَى عَنْ عَوْنِكَ»

نجاتی برایم باشد با اینکه نجاتی نتوان یافت جز به کمک تو. نه آن کس که نیکی کند بی نیاز است از کمک تو

«وَرَحْمَتِكَ وَلَا الَّذِي أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يَرْضِكْ خَرَجَ عَنْ»

و رحمتت و نه آنکس که بد کند و دلیری بر تو کند و خوشنودی ات نجوید از تحت قدرت تو بیرون رود

«قُدْرَتِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ بَكُوَيْدِ تَا أَنْكَه نَفْسَ قَطْعَ شَوْد {بِكْ} عَرَفْتُكَ»

ای پروردگار من... به وسیله خودت من ترا شناختم

«وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيكَ وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ وَلَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ»

و تو مرا بر خود راهنمایی کردی و به سوی خود خواندی و اگر تو نبودی من ندانستم که تو کیستی

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيَجِيبُنِي وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئاً حِينَ يَدْعُونِي»

ستایش خدایی را که می‌خوانمش و او پاسخم دهد و اگرچه وقتی می‌خواندم به کندی به درگاهش روم

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلاً حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي»

و ستایش خدایی را که می‌خواهم از او و به من عطا می‌کند و اگرچه در هنگامی که او از من چیزی قرض خواهد
من بخل کنم

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أُنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ»

و ستایش خدایی را که هرگاه برای حاجتی بخواهم او را ندا کنم و هر زمان بخواهم برای

«لِسِرِّي بَغِيرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَدْعُو غَيْرَهُ»

راز و نیاز بدون واسطه با او خلوت کنم و او حاجتم را برآورد. ستایش خدایی را که جز او

«وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو»

کسی را نخوانم و اگر غیر او دیگری را می‌خواندم دعایم را مستجاب نمی‌کرد و ستایش خدایی را که به جز او

«غَيْرُهُ وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَّلَنِي»

امید ندارم و اگر به غیر او امیدی داشتم نا امیدم می‌کرد و ستایش خدایی را که مرا به حضرت خود

«إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ فَيَهِينُونِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي»

واگذار کرده و از این رو به من اکرام کرده و به مردم واگذارم نکرده که مرا خوارکنند و ستایش خدایی را که

«تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَاتَى»

با من دوستی کند در صورتی که از من بی‌نیاز است و ستایش خدایی را که نسبت به من بردباری کند تا به جایی
که

«لَا ذَنْبَ لِي فَرَّبَنِي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَاحَقُّ بِحَمْدِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ»

گویا گناهی ندارم. پس پروردگار من ستوده ترین چیزها است نزد من و به ستایش من سزاوارتر است. خدایا من همه راه‌های

«سُبُلِ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ مُتَرَعَةً»

مقاصد را به سوی تو باز می بینم و چشمه‌های امید را به سویت سرشار می یابم

«وَالْأَسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَلَكَ مُبَاحَةً وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ»

و یاری جستن به فضل تو برای آرزومندانت مباح و بی مانع است و درهای دعا به سوی تو برای

«لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِي بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ وَلِلْمَلْهُوفِينَ»

فریادکنندگان باز است و به خوبی می دانم که تو برای اجابت شخص امیدوار آماده ای و برای فریادرسی اندوهگینان

«بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ وَأَنَّ فِي اللَّهِفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ عَوْضاً»

مهیای فریادرسی هستی و به راستی می دانم که در پناهندگی به جود و کرم و خشنودی به قضا و قدرت عوضی است

«مِنْ مَنَعَ الْبَاطِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَائِرِينَ وَأَنَّ»

از جلوگیری کردن باطلان و گشایشی است از احتیاج بدانچه در دست دنیاطلبان است و به راستی

«الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ»

کوچ کننده به درگاهت راهش نزدیک است و مسلماً تو از خلق خود در حجاب نشوی مگر آنکه

«تَحْجِبُهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلِبَتِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ»

کردارشان میان آنها و تو حاجب شود و من با مطلبی که دارم قصد تو را کرده

«بِحَاجَتِي وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثَتِي وَبِدُعَائِكَ تَوَسَّلِي مِنْ غَيْرِ»

و با حاجت خود رو به درگاه تو آوردم و استغاثه ام را به درگاه تو قرار دادم و دعای تو را دست آویز خود کردم بی آنکه من

«اسْتَحَقَّا لِاسْتِمَاعِكِ مِنِّي وَلَا اسْتِجَابَ لِعَفْوِكَ عَنِّي بَلْ لِيُثَقَّتِي»

استحقاق داشته باشم که تو از من بشنوی و نه مستوجب آنم که از من بگذری بلکه بدان اعتمادی که من

«بِكَرَمِكَ وَسُكُونِي إِلَى صِدِّ وَعْدِكَ وَلَجَائِ إِلَى الْإِيمَانِ»

به کرم تو دارم و آن اطمینانی که به درستی وعده ات دارم و به خاطر پناهندگی ام به ایمان

«بِتَوْحِيدِكَ وَيَقِينِي بِمَعْرِفَتِكَ مَنِّي أَنْ لَا رَبَّ {لِي} غَيْرُكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا»

و اعتقادی که بر یگانگی تو دارم و یقینی که به معرفت و شناسایی تو دارم که می دانم پروردگاری غیر

«أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ»

تو نیست و معبودی جز تو وجود ندارد یگانه‌ای که شریکی برایت نیست خدایا تو فرمودی و گفتارت حق و وعده
ات

«صِدِّ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيماً وَلَيْسَ مِنْ»

راست است (که فرمودی) «و درخواست کنید خدا را از فضلش که به‌راستی او به شما مهربان است» و رسم تو
چنان نیست

«نَصِيفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمَرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَأَنْتَ الْمَنَّانُ»

ای آقای من که دستور سوال بدهی ولی از عطا و بخشش دریغ نموده و خودداری کنی و تویی بخشاینده

«بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنٍ رَأْفَتِكَ إِلَهِي»

به عطایا بر اهل کشور خود و متوجه بدانها به مهربانی و رأفت. خدایا

«رَبِّئْتَنِي فِي نِعَمِكَ وَإِحْسَانِكَ صَغِيراً وَنَوَّهْتَ بِاسْمِي كَبِيراً فَيَا مَنْ»

مرا در خردسالی در نعمت ها و احسان خویش پروریدی و در بزرگی نامم را بر سر زبان‌ها بلند کردی پس ای که

«رَبَّانِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعَمِهِ وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ»

در دنیا مرا به احسان و فضل و نعمت های خود پروریدی و برای آخرتم

«إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي عَلَيْكَ وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي»

به عفو و کرم اشارت فرمودی ای مولای من شناسایی ام به تو راهنمای من به سوی تو است و محبتی که به تو
دارم شفیع من است

«إِلَيْكَ وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى»

به درگاهت و من از راهنمایی کردن این دلیم به‌سوی تو مطمئنم و از پذیرفتن شفیعم از جانب تو

«شَفَاعَتِكَ أَدْعُوكُ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ رَبِّ أَنْاجِيكَ»

آسوده خاطر. می‌خوانمت ای آقای من به زبانی که گناه لالش کرده. پروردگارا با تو راز گویم

«بِقَلْبٍ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ أَدْعُوكُ يَا رَبِّ رَاهِباً رَاغِباً رَاجِئاً خَائِفاً إِذَا»

به وسیله دلی که جنایت به هلاکتش کشانده می‌خوانمت. ای پروردگار من هراسان و خواهان و امیدوار و ترسان،

«رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَزِعْتُ وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ فَإِنْ عَفَوْتَ»

ای مولای من هنگامی که گناهانم را مشاهده می‌کنم هراسان شوم و چون بزرگواری تو را بینم به طمع افتم.
خدایا اگر بگذری

«فَخَيْرٌ رَاحِمٍ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ حُجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرْأَتِي عَلَى»

بهترین مهرورزی و اگر عذاب کنی ستم نکرده‌ای، دلیل و بهانه من ای خدا در اینکه دلیری کنم

«مَسْأَلَتِكَ مَعَ إِيثَانِي مَا تَكْرَهُ جُودَكَ وَكَرَمَكَ وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي مَعَ»

در سوال کردن از تو با اینکه رفتارم خوشایند تو نیست همان جود و کرم تو است و ذخیره من در سختی‌ام با

«قِلَّةِ حَيَاتِي رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تَخِيْبَ بَيْنَ ذَيْنِ»

بی شرمی من همان رأفت و مهربانی تو است و به‌راستی امیدوارم که نومید مکنی میان این و آن آرزویم را

«وَذَيْنِ مُنِيتِي فَحَقَّقْ رَجَائِي وَاسْمَعْ دُعَائِي يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ»

پس امیدم را صورت عمل ده و دعایم را شنیده گیر ای بهترین کسی که خوانندگان بخوانندش

«وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ عَظُمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي وَسَاءَ عَمَلِي فَأَعْطِنِي»

و برتر کسی که امیدواران بدو امید دارند ای آقایم، آرزویم بزرگ و عملم زشت است پس تو

«مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمَلِي وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي فَإِنَّ كَرَمَكَ»

از عفو خویش به اندازه آرزویم به من بده و مرا به بدترین عملم مؤاخذه مکن زیرا کرم تو برتر است

«يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ وَجِلَمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ»

از مجازات گنهکاران و بردباری ات بزرگتر است از مکافات تقصیرکاران

«وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنْ»

و من ای آقاایم به فضلت پناهنده گشته و از تو به سوی خودت گریخته ام و خواستارم آنچه را وعده کردی از

«الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا وَمَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا خَطَرِي هَبْنِي»

چشم پوشی نسبت به کسی که خوش گمان به تو است، من چه ام پروردگارا؟ و چه اهمیتی دارم؟ مرا

«بِفَضْلِكَ وَتَصَدِّ عَلَى بِعَفْوِكَ أَي رَبِّ جَلَّلْنِي بِسِتْرِكَ وَاعْفُ عَنِّي»

به فضل خویش ببخش با عفو خود بر من نیکی کن و منت گذار، پروردگارا مرا به پوشش خود بیوشان

«تَوْبِيخِي بِكَرَمٍ وَجْهٍ فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرُكَ مَا فَعَلْتُهُ»

و به کرم ذاتت از سرزنش کردن من درگذر پس اگر دیگری جز تو بر گناهم آگاه می شد آن گناه را انجام نمی دادم

«وَلَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَا اجْتَنَنْبُهُ لَا لِأَنَّكَ أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ وَأَخَفُ»

و اگر از زود به کیفر رسیدن می ترسیدم باز هم خودداری می کردم و اینکه با این وصف گناه کردم نه برای آن بود که تو سبک ترین بینندگان

«الْمُطَّلَعِينَ {عَلَى} بَلْ لِأَنَّكَ يَا رَبِّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ وَأَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ»

و یا بی مقدارترین مطلعین هستی بلکه برای آن بود که تو ای پروردگار من، بهترین پوشندگان و حکم کننده ترین حاکمان

«وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ سَتَارُ الْعُيُوبِ عَقَارُ الذُّنُوبِ عَلَامُ الْعُيُوبِ تَسْتُرُ»

و گرامی ترین گرامیان و پوشاننده عیوب و آمرزنده گناهانی. گناه را به کرمت می پوشانی

«الذَّنْبُ بِكَرَمِكَ وَتَوَخَّرَ الْعُقُوبَةُ بِجِلْمِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى جِلْمِكَ بَعْدَ»

و کیفر را به واسطه بردباری ات به تأخیر اندازی پس تو را ستایش سزا است بر بردباری ات، پس

«عِلْمِكَ وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَيَحْمِلُنِي وَيَجَرُّنِي عَلَى»

از دانستن و بر گذشتت پس از توانایی داشتن و همین گذشتت تو از من مرا وادار کرده و دلیر ساخته بر

«مَعْصِيَتِكَ جِلْمِكَ عَنِّي وَيَذْعُونِي إِلَى قِلَّةِ الْحَيَاءِ سِتْرِكَ عَلَى»

نافرمانی ات و همان پرده پوشی ات بر من مرا به بی شرمی واداشته

«وَيَسِّرْ عَنِّي إِلَى التَّوْبِ عَلَى مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ»

و همان معرفتی که من به فراخی رحمتت دارم و بزرگی عفو تو مرا به دست زدن به کارهای حرام شتابان می کند

«وَعَظِيمِ عَفْوِكَ يَا حَلِيمٌ يَا كَرِيمٌ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمٌ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ يَا»

ای بردبار، ای بزرگوار، ای زنده و ای پاینده، ای آمرزنده گناه، ای

«قَابِلَ التَّوْبِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ أَيْنَ سِتْرُكَ الْجَمِيلُ»

پذیرنده گناه، ای بزرگ نعمت، ای دیرینه احسان، کجاست پرده پوشی زیباییات؟

«أَيْنَ عَفْوُكَ الْجَلِيلُ أَيْنَ فَرَجُكَ الْقَرِيبُ أَيْنَ غِيَاثُكَ السَّرِيعُ أَيْنَ»

کجاست گذشت بزرگ؟ کجاست گشایش نزدیکت؟ کجاست فریادرسی فوریت؟ کجاست

«رَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةُ أَيْنَ مَوَاهِبُكَ الْهَنِيئَةُ أَيْنَ»

رحمت وسیعت؟ کجاست عطاهای برجسته ات؟ کجاست بخشش های دلچسب؟ کجاست

«صَنَائِعُكَ السَّنِيهِ أَيْنَ فَضْلُكَ الْعَظِيمُ أَيْنَ مَنُّكَ الْجَسِيمُ أَيْنَ»

نیکی های شایانت؟ کجاست فضل عظیمت؟ کجاست نعمت بزرگت؟ کجاست

«إِحْسَانُكَ الْقَدِيمُ أَيْنَ كَرَمُكَ يَا كَرِيمٌ بِهِ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَقِذْنِي وَبِرَحْمَتِكَ»

احسان دیرینه ات؟ کجاست کرم تو؟ ای کریم بدان (چه گفتم) و به محمد و آل محمد مرا نجات ده و به رحمتت

«فَخَلِّصْنِي يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي»

خلاصم کن، ای نیکو، ای نیکو بخش، ای نعمت ده، ای زیاده بخش چنان نیست که من برای

«النَّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى»

نجات از عقاب تو به کارهای مان تکیه کنم بلکه به فضلی که بر ما داری تکیه زنم، زیرا تو اهل تقوی

«وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ تُبَدِّئُ بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا فَمَا»

و شایسته آمرزشی، آغاز کنی به احسان از روی نعمت بخشی و گذشت کنی از گناه از روی کرم و بزرگواری و با این

وضع

«نَذَرِي مَا نَشْكُرُ أَجْمِلَ مَا تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحَ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمَ مَا أَبْلَيْتَ»

ما ندانیم کدامیک را سپاس گوئیم؛ آن نیکی‌ها که پراکنده کنی یا زشتی‌ها که بی‌پوشانی یا بزرگ آزمایش

«وَأُولَئِكَ أَمْ كَثِيرٌ مِّنْهُ نَجَّيْتَ وَعَافَيْتَ يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ»

و شایستگی نعمتت یا آن همه چیزهایی که ما را از آن نجات داده و عافیت دادی ای دوست کسی که با تو دوستی کند

«وَيَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَدَيْكَ وَانْقَطَعَ إِلَيْكَ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ»

و ای نور دیده کسی که پناه به تو آرد و از دیگران ببرد تویی نیکوکار و ماییم

«الْمُسِيئُونَ فَتَجَاوَزْ يَا رَبِّ عَنْ قَبِيحٍ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلٍ مَا عِنْدَكَ وَآيُ»

گنهکار، پس درگذر ای پروردگار از زشتی‌های ما به نیکی‌های خود و کدام

«جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا يَسْغُهُ جُودُكَ أَوْ آيَ زَمَانٍ أَطُولُ مِنْ أَنْتَ وَمَا قَدَرُ»

نادانی است ای پروردگار که جود تو فرایش نگیرد و چه روزگاری درازتر از زمان بردباری تو است و چه ارزشی دارد

«أَعْمَالِنَا فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ أَعْمَالًا تُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ بَلْ»

اعمال ما در جنب نعمت‌هایت و چگونه زیاد بشمریم اعمال (بدمان) را که بتوانیم آنها را برابر با کرم تو کنیم بلکه

«كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ يَا وَاسِعَ»

چگونه ممکن است میدان بر گنهکاران تنگ شود با آن رحمت وسیعت

«الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ فَوَ عِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي لَوْ نَهَزَّتْنِي»

که ایشان را فراگرفته، ای وسیع‌آمزش، ای دو دستت به رحمت باز سوگند به عزتت ای آقای من، اگرچه برانیم

«مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَنْتَ إِلَيَّ مِنْ»

من از در خانه‌ات برنخیزم و از تملق و چاپلوسیات دست برندارم چون

«الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ»

اطلاع از جود و کرمت پیدا کرده‌ام و تویی کننده هرچه خواهی. عذاب کنی هرکه را خواهی

«بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ لَا»

به هر چه خواهی به هر طور که خواهی و رحم کنی هر که را خواهی به هر چه خواهی هرطور که خواهی

«تُسْئَلُ عَنْ فِعْلِكَ وَلَا تُنَازَعُ فِي مُلْكِكَ وَلَا تُشَارَكُ فِي أَمْرِكَ وَلَا»

بازپرسی از کار تو نشود و نزاعی در فرمانرواییات رخ ندهد و شریکی در کارت نباشد

«تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَذْيِيرِكَ لَكَ الْخَلْقُ»

و ضدیتی در حکمت نباشد و کسی نیست که در تدبیر تو بر تو اعتراض کند. آفرینش

«وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ هَذَا مَقَامُ مَنْ لَدَيْكَ»

و دستور از تو است برتر است خدا، پروردگار جهانیان، پروردگارا این جایگاه کسی است که به تو

«وَاسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ وَالْإِلَفَ إِحْسَانِكَ وَنِعَمَكَ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي»

روی آورده و به کرم پناه بسته و به احسان و نعمت خو گرفته و تویی بخشاینده‌ای که

«لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ وَلَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ وَقَدْ تَوَثَّقْنَا»

تنگ ناید عفو و کاهش نیابد فضل و بخشش و کم نگردد مهر و رحمت و ما

«مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ أَفْتَرَاكَ يَا»

بدان چشم پوشی دیرینه و فضل عظیم و رحمت پهناور اعتماد کرده‌ایم آیا چنان می‌بینی

«رَبِّ تُخْلِفُ ظَنُّونَا أَوْ تُخَيِّبُ آمَالَنَا كَلَّا يَا كَرِيمُ فَلَيْسَ هَذَا ظَنُّنَا بِكَ»

پروردگارا که برخلاف گمان‌های ما رفتار کنی یا آرزوهایمان نومید کنی؟ هرگز! ای کریم چون ما چنین گمانی به تو نداریم

«وَلَا هَذَا فَيْكَ طَمَعُنَا يَا رَبِّ إِنَّ لَنَا فَيْكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا إِنَّ لَنَا فَيْكَ»

و طمع ما درباره تو اینگونه نیست. پروردگارا به راستی ما درباره تو آرزوی دراز و بسیاری داریم. به راستی ما نسبت به تو

«رَجَاءٌ عَظِيمًا عَصِيْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا وَدَعَوْنَاكَ وَنَحْنُ»

امید بزرگ و زیادی داریم، تو را نافرمانی کردیم ولی امیدواریم که تو بی‌پوشانی بر ما و خواندیم تو را و امیدواریم

«نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا فَحَقَّقْ رَجَائَنَا مَوْلَانَا فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ»

که تو اجابت کنی ما را پس امید ما را تحقق بخش ای مولای ما که به راستی ما می‌دانیم که به اعمالمان

مستوجب چه (پاداشی)

«بِأَعْمَالِنَا وَلَكِنْ عِلْمُكَ فِينَا وَعِلْمُنَا بِأَتِّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ وَإِنْ كُنَّا»

هستیم، ولی علم تو درباره ما و علم ما درباره تو این است که ما را از درگاهت نرانی و اگرچه ما

«غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَعَلَى الْمُذْنِبِينَ»

مستوجب رحمت تو نیستیم، ولی تو شایسته آنی که بر ما بخشش کنی و بر گناهکاران

«بِفَضْلِ سَعَتِكَ فَاْمُنْ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَجُدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُحْتَاجُونَ»

به فضل وسیعت توجه فرمایی، پس بر ما منت گذار بدانچه تو شایسته آنی و بر ما جود کن که ما نیازمند

«إِلَى نَيْلِكَ يَا عَفَّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا وَبِفَضْلِكَ اسْتَعْنَيْنَا وَبِنِعْمَتِكَ»

عطای توبیم، ای آمرزنده، به نور تو راه یافتیم و به فضل تو بی نیازی جستیم و به نعمت تو

«أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا ذُنُوبَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَنَتُوبُ»

صبح و شام کردیم. گناهان ما پیش روی تو است که ما از آنها آمرزش خواهیم و به سویت توبه کنیم

«إِلَيْكَ تَتَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَنُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ»

تو با نعمت‌هایت بر ما دوستی کنی و ما به گناهان با تو معارضه و برابری کنیم. خیر تو بر ما نازل گردد

«وَشَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالْ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ»

و در برابر شر ما به سوی تو بالا آید و تو همیشه تا بوده و هست پادشاه بزرگوار و کریمی بوده ای که از جانب ما کارهای

«قَبِيحٌ فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنَا بِنِعْمِكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالْإِثْمِ»

زشت به سوی تو آید ولی آنها جلوگیری ات نکند از اینکه ما را به نعمت های خود فراگیری و خود بر ما تفضل کنی

«فَسُبْحَانَكَ مَا أَكْلَمَكَ وَأَعْظَمَكَ وَأَكْرَمَكَ مُبْدِئاً وَمُعِيداً تَقَدَّسَتْ»

پس منزهی تو که چقدر بردباری و چه بزرگ و کریمی چه در آغاز (نعمت) و چه در ادامه آن نام‌هایت مقدس

«أَسْمَاؤُكَ وَجَلَّ تَنَازُوكٌ وَكَرَّمَ صَنَائِعُكَ وَفِعَالُكَ أَنْتَ إِلَهِي أَوْسَعُ»

و ستایشت ارجمند است و کارها و رفتار گرانها است فضل تو ای معبود من

«فُضِّلًا وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايَسَنِي بِفَعْلِي وَخَطِيئَتِي فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ»

وسیع‌تر و بردباری‌ات بزرگتر از آن است که مرا به کردار و گناه‌م بسنجی. از من درگذر، درگذر،

«الْعَفْوُ سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ وَاعِذْنَا مِنْ»

درگذر ای آقای من... آقای من... آقای من، خدایا ما را به ذکر خود مشغول کن و از

سَخَطِكَ وَأَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ وَارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ وَأَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ

خشمت پناهمان ده و از عذاب‌ت امانمان ده و از بخشش‌هایت روزیمان گردان و از

فَضْلِكَ وَارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ وَرَحْمَتُكَ

فضل خود بر ما انعام کن و روزی ما کن حج خانه‌ات و زیارت قبر پیامبرت را که درود تو و رحمت

وَمَغْفِرَتُكَ وَرِضَاوَتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ

و آمرزش و خوشنودی‌ات بر او و بر خاندانش باد که به‌راستی تو به خلق نزدیکی و اجابت‌کننده‌دعایی

وَارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَتَوْفَقًا عَلَى مِلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ

و عمل به طاعتت را روزی ما گردان و بر کیش خودت و روش پیامبرت که درود تو

عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا

بر او و آتش باد ما را بمیران. خدایا بیامرز مرا و پدر و مادرم را و برای‌شان رحم کن چنانکه مرا در کودکی پروریدند

اجْزِهِمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا وَبِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا اللَّهُمَّ اغْفِرْ

و پاداش‌شان بده در برابر نیکی به نیکی و در مقابل بدی‌ها به آمرزش. خدایا بیامرز

لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ

مردان و زنان باایمان را چه زندگان‌شان و چه مردگان‌شان را و پیوند ده میان ما و ایشان را

بِالْخَيْرَاتِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا ذَكِّرْنَا وَأُنْثَانَا

در نیکی‌ها. خدایا بیامرز زنده ما و مرده ما و حاضر ما و غایب ما، مرد ما و زن ما را

صَغِيرَنَا وَكَبِيرَنَا حُرَّنَا وَمَمْلُوكَنَا كَذَّبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَصَلُّوا صَلَاحًا

کوچک ما و بزرگ ما را، آزاد ما و برده ما را، دروغ گفتند برگشتگان از خدا و گمراه شدند گمراهی

بَعِيداً وَخَسِرُوا خُسْرَاناً مُّبِيناً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

دوری و زیان کردند؛ زیان آشکاری، خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاخْتِمْ لِيْ بِخَيْرٍ وَاکْفِنِيْ مَا اَهَمَّنِيْ مِنْ اَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِيْ

و کارم را ختم به خیر کن و کفایت کن آنچه اندیشه‌ام را به خود مشغول کرده از کار دنیا و آخرتم

وَلَا تُسَلِّطْ عَلٰى مَنْ لَا يَرْحَمُنِيْ وَاجْعَلْ عَلٰى مِنْكَ وَاْقِيَةً باْقِيَةً وَلَا

و مسلط مکن بر من کسی را که به من رحم نکند و بنه بر من از نزد خود نگهبانی همیشگی و

تَسْلُبْنِيْ صَالِحَ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلٰى وَاَرْزُقْنِيْ مِنْ فَضْلِكَ رِزْقاً وَاَسِعاً

از من نعمت‌های شایسته خود را که به من داده‌ای سلب مفرما و از فضل خویش روزی فراخ

حَلَالاً طَيِّباً اَللّٰهُمَّ احْرُسْنِيْ بِحِرَاسَتِكَ وَاحْفَظْنِيْ بِحِفْظِكَ وَاکْلَانِيْ

و حلال و پاکی برای من روزی گردان. خدایا به نگهبانی خود مرا نگهبانی فرما و به حفظ خود حفظم کن و در حمایت خود

بِكِلَاثَتِكَ وَارْزُقْنِيْ حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِيْ عَامِنَا هَذَا وَفِيْ كُلِّ عَامٍ

نگاهداریم کن و روزی من کن حج، خانه محترمت را در این سال و در هر سال

وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْاِيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا تُخْلِنِيْ يَا رَبِّ مِنْ

و زیارت قبر پیغمبرت و قبور ائمه علیهم السلام را و محرومم مکن پروردگارا از

تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ اَللّٰهُمَّ ثُبِّ عَلٰى حَتَّى

زیارت این مشاهد شریفه و زیارتگاه‌های گرامی. خدایا توبه ام ده تا

لَا اَعْصِيْكَ وَالاْهَمْنِيْ الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ وَخَشْيَتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا

نافرمانی‌ات نکنم و به دلم انداز کار نیک را و عمل بدان و ترست را در شب و روز تا هنگامی که

اَنْقَضَتْنِيْ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ كَلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّأْتُ

در این دنیا زنده‌ام داری ای پروردگار جهانیان، خدایا من هر زمان پیش خود گفتم که دیگر مهیا و مجهز شده‌ام

وَقُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَاجَيْتُكَ أَلْقَيْتَ عَلَيَّ نُعَاساً إِذَا أَنَا

و برخاستم برای خواندن نماز در برابرت و با تو به راز پرداختم تو بر من چرت و پینکی را مسلط کردی در آن هنگامی که

صَلَّيْتُ وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاةَكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ مَالِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ

داخل نماز شدم و حال مناجات را از من گرفتی در آن وقتی که به راز و نیاز پرداختم، مرا چه شده است که هرگاه با خود گفتم

صَلَّحْتُ سَرِيرَتِي وَقُرْبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي عَرَضْتُ

باطن و درونم نیکو شده و نزدیک شده از مجالس توبه‌کنندگان مجلس من، گرفتاری

لِي بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ

و پیش آمدی برایم رخ داده که پایم لغزش پیدا کرده و میان من و خدمتگزاریات حائل گشته، ای آقای من، شاید مرا از در

بَابِ طَرَدْتَنِي وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخِفًّا

خانه‌ات رانده‌ای و از خدمتت دورم کرده‌ای یا شاید دیده‌ای سبک شمارم

بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضاً عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ

حقت را پس دورم کرده‌ای یا شاید دیده‌ای از تو رو گردانده‌ام پس خشمم کرده‌ای یا شاید مرا

وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ

در جایگاه دروغگویانم دیده‌ای پس رهایم کرده‌ای یا شاید دیده‌ای سپاسگزار

لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَحَذَلْتَنِي

نعمت‌هایت نیستم پس محرومم ساخته‌ای یا شاید مرا در مجلس علما، نیافته‌ای پس خوارم کرده‌ای

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ

یا شاید مرا در زمره غافلانم دیده‌ای پس از رحمت خویش بی بهره ام کرده‌ای یا شاید

رَأَيْتَنِي آلَفَ مَجَالِسِ الْبَطَّالِينَ فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ

مرا مأنوس با مجالس بیهوده گذرانم دیده‌ای پس مرا به آنها واگذاشته‌ای یا شاید

تُحِبُّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمِي وَجَرِيرَتِي

دوست نداشتی دعایم را بشنوی پس از درگاهت دورم کرده‌ای یا شاید به جرم و گناهم کیفرم داده‌ای

كَافَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيَاتِي مِنْكَ جَاذِبْتَنِي فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ

یا شاید به بی شرمی‌ام مجازاتم کرده‌ای پس اگر از من بگذری پروردگارا

فَطَالَ مَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيُّ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ

بجاست چون بسیار اتفاق افتاده که از گنهکاران پیش از من گذشته‌ای زیرا کرم تو پروردگارا برتر از

مُكَافَاتِ الْمُقْصِرِينَ وَآ نَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا

کیفر کردن تقصیرکاران است و من پناهنده به فضل توام و از ترس تو به‌سوی خودت گریخته‌ام و درخواست

وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا

انجام وعده‌ات را در چشم پوشی از کسی که خوش گمان به تو است دارم. خدایا تو فضلت و سیع‌تر

وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايِسَنِي بِعَمَلِي أَوْ أَنْ تَسْتَزِلَّنِي بِخَطِيئَتِي وَمَا

و بردباری‌ات بزرگتر از آن است که مرا به کردارم بسنجی یا اینکه مرا به خطایم بلغزانی و چه

آ نَا يَا سِيدِي وَمَا خَطَرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ سِيدِي وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ

هستم من ای آقای من و چه ارزشی دارم؟ مرا به فضل خویش ببخش ای آقای من و بر من

بِعَفْوِكَ وَجَلَّلْنِي بِسِتْرِكَ وَأَعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ سِيدِي

با عفو خود نیکی کن و با پرده پوشی‌ات بپوشانم و درگذر از سرزنش کردنم به بزرگواری ذاتت، آقای من

أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ وَآ نَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ وَآ نَا الصَّالُّ الَّذِي

من همان بنده خردسالی هستم که پروریدی و همان نادانی هستم که دانایش کردی و همان گمراهی هستم که

هَدَيْتَهُ وَآ نَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ وَآ نَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتَهُ وَالْجَائِعُ

راهنمایی‌اش کردی و همان پستی هستم که بلندش کردی و همان ترسانی هستم که امانش دادی و گرسنه‌ای

هستم

الَّذِي أَشْبَعْتَهُ وَالْعَطْشَانُ الَّذِي آزَوَيْتَهُ وَالْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ

که سیرش کردی و تشنه‌ای هستم که سیرابش کردی و برهنه‌ای هستم که پوشانیدیش

وَالْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ وَالضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ وَالذَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ

و نداری هستم که دارایش کردی و ناتوانی هستم که نیرومندش کردی و خواری هستم که عزیزش کردی

وَالسَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ وَالسَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ وَالْمُذْنِبُ الَّذِي

و دردمندی هستم که درمانش کردی و خواهنده‌ای هستم که عطایش کردی و گنهکاری هستم که

سَتَرْتَهُ وَالْخَاطِئُ الَّذِي أَقْلَنْتَهُ وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ وَالْمُسْتَضَعْفُ

گناهانش را پوشاندی و خطاکاری هستم که از او گذشتی و اندکی هستم که بسیارش کردی و خوارشمرده‌ای هستم

الَّذِي نَصَرْتَهُ وَأَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي آوَيْتَهُ أَنَا يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكْ

که یاری‌اش کردی و آواره‌ای هستم که جا و مأوایش دادی. منم پروردگارا آن کسی که در خلوت از تو شرم نکردم

فِي الْخَلَاءِ وَلَمْ أُرَاقِبْكَ فِي الْمَلَأِ أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى أَنَا

و در آشکارا هم رعایت تو را نکردم. منم صاحب مصیبت‌ها و ماجراهای بزرگ، منم

الَّذِي عَلَى سَيِّدِهِ اجْتَرَى أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ أَنَا الَّذِي

کسی که بر آقای خود دلیری کرده، منم کسی که نافرمانی برپادارنده آسمان‌ها را کرده‌ام. منم کسی که

أَعْطَيْتُ عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ الرُّشَا أَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا

برای نافرمانی‌های بزرگی که کرده‌ام رشوه داده‌ام، منم آن کسی که هرگاه نوید گناهی رابه من می‌دادند

خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْعَى أَنَا الَّذِي أَمْهَلْتَنِي فَمَا ارْعَوَيْتُ وَسَتَرْتَ عَلَيَّ

به‌سویش شتابان می‌رفتم. منم که مهلت‌م دادی ولی من به خود نیامدم و بر من پوشاندی

فَمَا اسْتَحْيَيْتُ وَعَمِلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَذَّبْتُ وَأَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ

ولی من شرم نکردم و نافرمانی‌ها کردم و از حد گذراندم و از چشم خود مرا انداختی و من اعتنا نکردم

فَمَا بِالْيَتِّ فَبِجِلْمِكَ أَمْهَلْتَنِي وَبِسِتْرِكَ سَتَرْتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ أَغْفَلْتَنِي

پس باز هم به بردباری‌ات مهلتم دادی و به پرده پوشی‌ات مرا پوشاندی تا بدانجا که گویا از یاد من بیرون رفتی

وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَنِي إِلَهِي لَمْ

و از کیفرهای گناهان مرا دور داشتی تا به حدی که گویا از من شرم کردی. خدایا در

أَعْيَك حِينَ عَصَيْتُكَ وَأَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَاوِدٌ وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ

هنگام گناه که من نافرمانی‌ات کردم نه از باب این بود که پروردگاری‌ات را منکر بودم و یا دستورت را سبک شمردم

وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَلَا لَوَعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ لَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ

و یا خود را در معرض کيفرت درآوردم و یا تهدیدهای تو را بی ارزش فرض کردم، بلکه گناهی بود که پیش آمد

وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي وَغَلَبَنِي هَوَايَ وَأَعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي وَغَرَّنِي

و نفس سرکش نیز آن‌را آراست و هوای نفس نیز چیره شد و بدبختی هم کمک کرد و پرده آویخته

سِتْرُكَ الْمُرْخِي عَلَى فَقْدِ عَصِيَّتِكَ وَخَالَفْتُكَ بِجَهْدِي فَلَا أُنْجِي مِنْ

(پرده پوشی تو) هم مرا مغرور کرد و در نتیجه تا آنجا که می‌توانستم در نافرمانی و مخالفت تو کوشیدم، ولی

اکنون کیست که

عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي وَمِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ عَدَاً مَنْ يَخْلُصُنِي

از عذاب تو مرا نجات دهد و از دست دشمنان در فردای قیامت چه کسی خلاصم کند

وَيَحْبِلُ مَنْ أَتَّصِلُ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي فَوَاسُوْهُ أَتَا عَلَى مَا

و به ریسمان چه کسی چنگ زنم اگر تو رشته خود را از من قطع کنی. پس چه رسوایی است برای من

أَخْصَى كِتَابُكَ مِنْ عَمَلِي الَّذِي لَوْلَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ

بر آنچه نامه تو از عمل من شماره و احصا کرده که اگر امید من به کرمت و وسعت

رَحْمَتِكَ وَنَهْيِكَ إِيَّايَ عَنِ الْقَنُوطِ لَقَنْطَطْتُ عِنْدَمَا اتَّذَكَّرْتُهَا يَا خَيْرَ

رحمتت نبود و از ناامید شدن بازم نمی‌داشتی به محض آنکه به یاد آنها می‌افتادم یکسره ناامید می‌شدم. ای

بهترین

مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَ أَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ اَللّٰهُمَّ بِذِمَّةِ الْاِسْلَامِ اَتَوَسَّلُ

کسی که خواندش خواننده ای و برترین کسی که امیدش دارد امیدواری. خدایا به پیمان اسلام به درگاهت توسل جویم

إِلَيْكَ وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ اعْتَمِدُ إِلَيْكَ وَبِحُبِّي النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الْقُرْشِيَّ

و به حرمت قرآن بر تو اعتماد کنم و به دوستی و محبتی که به پیامبر امی قرشی

الْهَاشِمِيَّ الْعَرَبِيَّ التَّهَامِيَّ الْمَكِّيَّ الْمَدَنِيَّ أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ فَلَا

هاشمی عربی تهامی مکی مدنی دارم امید تقرب به تو را دارم. پس تو انس ایمانی مرا مبدل به

تَوْحِشِ اسْتِينَاسِ إِيْمَانِي وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَبَدَ سِوَاكَ

وحشت مکن و پاداشم را پاداش آن کس که جز تو را پرستیده قرار مده

فَإِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِالسِّنْتِهِمْ لِيُحَقِّنُوا بِهِ دِمَائَهُمْ فَأَذْرَكُوا مَا أَمَلُوا وَإِنَّا

زیرا مردمی بودند که به زبان ایمان آوردند تا بدان وسیله خون خود را حفظ کنند و بدین مقصود هم رسیدند ولی ما

أَمَّا بِكَ بِالسِّنْتِنَا وَقُلُوبِنَا لِنَتَعَفُو عَنَّا فَأَذْرِكُنَا مَا أَمَلْنَا وَثَبَّتْ رَجَائِكَ

به دل و زبان به تو ایمان آوردیم تا از ما بگذری. پس ما را هم به مقصودمان برسان و امیدت را

فِي صُدُورِنَا وَلَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ

در دل‌های ما ثابت و محکم فرما و منحرف مساز دل‌های ما را، پس از آنکه هدایت‌مان کردی و ببخش به ما از نزد خود

رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ فَوَعِزَّتِكَ لَوْ أَنْتَ هَرَّتْنِي مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ

رحمتی که به راستی تویی بسیار بخشنده. به عزتت سوگند اگر برانیم من هرگز از در خانه‌ات برنخیزم

وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَلْهِمَ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ

و دست از تملق و چاپلوسیات بردارم چون شناسایی کرم‌ت و رحمت وسیعت به دلم الهام شده،

رَحْمَتِكَ إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ وَإِلَى مَنْ يَلْتَجِي

بنده به نزد چه کسی رود جز به درگاه مولایش و

الْمَخْلُوقِ إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ إِلَهِي لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ وَمَنْعَتَنِي سَيْبِكِ

مخلوق به که پناهنده شود جز به خالقش؟ خدایا اگر مرا به زنجیر و بند گرفتارم کنی

مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ وَذَلَّلْتَ عَلَى فُضَايَحِي عُيُونُ الْعِبَادِ وَأَمَرْتَ بِي

و بازداری از من عطایت را در میان انظار مردم و رسوایی‌هایم را به چشم بندگان آری و دستور بردنم را

إِلَى النَّارِ وَحُلْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتُ رَجَائِي مِنْكَ وَمَا

به‌سوی دوزخ صادر کنی و میان من و نیکان حائل گردی، من هرگز امیدم را از تو قطع نخواهم کرد و

صَرَفْتُ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ وَلَا خَرَجَ حُبِّكَ مِنْ قَلْبِي أَنَا لَا أَنْسِي

آرزومندی‌ام را از عفو تو بازنگردانم و بیرون نرود محبتت از دلم و من

أَيَادِيكَ عِنْدِي وَسِتْرِكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا سَيِّدِي أَخْرَجَ حُبَّ الدُّنْيَا

نعمت‌هایی که در دنیا به من دادی و پرده پوشی‌هایت را فراموش نمی‌کنم. ای آقای من، محبت دنیا را

مِنْ قَلْبِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى وَآلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

از دلم بیرون کن و جمع کن میان من و میان (پیامبرت حضرت) مصطفی(ص) و آلش برگزیدگان خلقت

وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَانْقُلْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ

و خاتم پیامبران محمد صلی الله علیه و آله و مرا به درجه توبه و بازگشت

إِلَيْكَ وَأَعِنِّي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْأَمَالِ

به‌سویت برسان و یاری‌ام ده به گریه کردن بر خویشتن، زیرا که من عمرم را به امروز و فردا کردن و آرزوها

عُمْرِي وَقَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَةَ الْإِيسِينَ مِنْ خَيْرِي فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالاً

گذراندم و درآمده‌ام در جایگاه ناامیدان از خیر خودم، پس کیست که بدحال‌تر از من باشد

مَتَى إِنَّ أَنَا نُقِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِي لَمْ أَمْهَدْهُ لِرَفْدَتِي وَلَمْ

اگر من بر این حال به‌سوی قبرم منتقل گردم زیرا که آماده اش نکرده‌ام برای خوابیدنم

أَفْرُشُهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِصُجْعَتِي وَمَالِي لَا أَبْكِي وَلَا أَذْرى إِلَى مَا

و فرش نکرده‌ام آنرا به عمل صالح برای آرمیدنم و چرا گریه نکنم در صورتی که نمی‌دانم به چه سرنوشتی

يَكُونُ مَصِيرِي وَأَرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي وَأَيَّامِي تُخَاتِلُنِي وَقَدْ

دچار گردم؟ من نفس خود را چنان بینم که با من نیرنگ زند و روزگارم را که مرا بفریبد

حَقَّقْتُ عِنْدَ رَأْسِي أَجْنَحَ الْمَوْتِ فَمَا لِي لَا أَبْكِي أَبْكِي لِخُرُوجِ

در حالی که مرگ بال‌های خود را بر سرم گسترده پس چرا گریه نکنم؟ گریه کنم برای جان دادنم

نَفْسِي أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي أَبْكِي لِضَيْقِ لَحْدِي أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ

گریه کنم برای تاریکی قبرم، گریه کنم برای تنگی لحدم، گریه کنم برای سوال نکیر

وَنَكِيرِ إِيَّايَ أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي غُرِيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقْلِي

و منکر از من، گریه کنم برای بیرون آمدنم از قبر برهنه و خوار که بار سنگینم را

عَلَى ظَهْرِي أَنْظُرُ مَرَّةً عَنِ يَمِينِي وَأُخْرَى عَنِ شِمَالِي إِذِ الْخَلَائِقُ

به پشتم بار کرده. یکبار از طرف راستم بنگرم و بار دیگر از طرف چپ و هریک از خلایق را

فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يَغْنِيهِ وَجْوهٌ

در کاری غیر از کار خود ببینم. برای هر یک از آنها در آن روز کاری است که به خود مشغولش دارد چهره‌هایی

يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ صَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجْوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ

در آن روز گشاده و خندان و شادمانند و چهره‌هایی در آن روز غبارآلود است و سیاهی و خواری آنها را

تَرَهْقُهَا قَتَرَةٌ وَذِلَّةٌ سِيدِي عَلَيْكَ مُعَوَّلِي وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي

فراگرفته ای آقای من بر تو است تکیه و اعتماد و امید

وَتَوَكَّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي

و توکلم و به رحمت تو آویخته‌ام، به رحمت خود رسانی هر ه را خواهی و به کرامت راهنمایی کنی

بِكِرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَّيْتَ مِنَ الشَّرِّ قَلْبِي

هر که را دوست داری پس ستایش تو را است بر اینکه دلم را از آلودگی شرک پاک کردی

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي أَقْبِلْ سَانِي هَذَا الْكَالَ أَشْكُرُكَ أَمْ

و برای تو است ستایش برای باز کردن زبانت را، آیا به این زبان گندم سپاس تو را گویم یا

بِغَايَةِ جُهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ وَمَا قَدَّرَ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ

با نهایت کوشش من در کردار من تو را خوشنود سازم؟ و چه ارزشی دارد زبانت پروردگارا در برابر

شُكْرِكَ وَمَا قَدَّرَ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَإِحْسَانِكَ [إِلَى] إِلَهِي إِنَّ جُودَكَ

سپاس تو و چه ارزشی دارد کردار من در کنار نعمت‌های تو و احسانی که به من کردی خدایا به‌راستی بخشش تو

بَسَطَ أَمَلِي وَشُكْرِكَ قَبْلَ عَمَلِي سَيَدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي وَإِلَيْكَ رَهْبَتِي

آرزویم را گسترانید و شکر تو کردار من را پذیرفت آقای من اشتیاق من به‌سوی تو است و هراسم از تو است

وَإِلَيْكَ تَأْمِيلِي وَقَدْ سَأَفُنِي إِلَيْكَ أَمَلِي وَعَلَيْكَ يَا وَاحِدِي عَكْفْتُ

و آرزو و امیدم به‌سوی تو است و آرزویم مرا به‌سوی تو کشانده و همتم ای خدای یگانه من به‌درگاه تو نشیمن کرده

هِمَّتِي وَفِيمَا عِنْدَكَ انْتَبَسَطَتْ رَغْبَتِي وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَخَوْفِي

و در آنچه پیش تو است (جامه) شوقم (دامن) گسترده و امید خالص و ترسم

وَبِكَ أُنِيسْتُ مَحَبَّتِي وَإِلَيْكَ أَلْقَيْتُ بِيْدِي وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ

تنها از تو است و به تو محبت من انس گرفته و دست به جانب تو انداخته‌ام و به ریسمان اطاعت تو بند کردم

رَهْبَتِي [يَا] مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي وَبِمُنَاجَاتِكَ بَرَدْتُ أَلَمْ

ترسم را ای مولای من به یاد تو دلم زنده است و به راز و نیاز تو سوزش

الْخَوْفِ عَنِّي يَا مَوْلَايَ وَيَا مُؤَمِّلِي وَيَا مُنْتَهَى سُؤْلِي فَرِّ بَيْنِي

ترسم را تسکین بخش من ای مولای من و ای آرزویم و ای آخرین سرحد خواسته‌ام میان

وَبَيْنَ دَنْبِي الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ

من و گناهم را که مانع از ملازمت اطاعت تو است جدایی بینداز و این خواهشی که من از تو می‌کنم به خاطر همان امید دیرینه ای است

فِيكَ وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ

که به تو دارم و برای آن طمع بزرگی است که درباره‌ات دارم که تو رأفت و مهربانی را برای بندگان بر خود فرض کرده‌ای

وَالرَّحْمَةِ فَالْأَمْرُ لَكَ وَحَدَكْ لَا شَرِيكَ لَكَ وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ

پس امر و فرمان از آن تو است یگانه‌ای که شریک نداری و خلایق همگی جیره خوار تو

وَفِي قَبْضَتِكَ وَكُلُّشَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ تَبَارَكْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ إِلَهِي

و در قبضه اقتدار تو و خاضع درگاه تواند برتری ای پروردگار جهانیان. خدایا

ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي وَكُلَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي وَطَاشَ عِنْدَ

به من رحم کن در آن هنگامی که حجت و دلیل قطع شود و زبانم از پاسخ تو لال گردد و هوش در هنگام

سُؤَالِكَ إِيَّايَ لُبِّي فَيَا عَظِيمَ رَجَائِي لَا تُخَيِّبْنِي إِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي

بازرسی‌ات از سرم ببرد. پس ای بزرگ امیدم مرا نومید مکن در آن هنگام که سخت نیازمندم و به خاطر

وَلَا تَزِدَّنِي لِجَهْلِي وَلَا تَمْنَعْنِي لِقِلَّةِ صَبْرِي أَعْطِنِي لِفَقْرِي

نادانی‌ام مرا از درگاهت مران و برای کم طاقتی‌ام مهرت را از من بازمدار به خاطر نیازی که دارم به من بده و برای ناتوانی‌ام

وَارْحَمْنِي لِضَعْفِي سِيدِي عَلَيَّكَ مُعْتَمِدِي وَمُعَوَّلِي وَرَجَائِي

به من رحم کن ای آقای من. بر تو است اعتماد و تکیه و امید

وَتَوَكَّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي وَبِفِنَائِكَ أَحْطُ رَحْلِي وَبِجُودِكَ أَقْصِدُ

و توکل من و مهر تو است دستاویزم و به آستان تو بار (حاجت) اندازم و به جود تو خواهشم را

طَلَبْتِي وَبِكَرَمِكَ أَيَّ رَبِّ اسْتَغْفِرُ دُعَائِي وَلَدَيْكَ أَرْجُو فَاقَتِي

جویم و به کرم تو ای پروردگار من دعايم را آغاز کنم و از پیش تو امید رفع نیاز و احتیاج خود را دارم

وَبِغِنَاكَ أَجْبُرُ عَيْلَتِي وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي وَإِلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ

به توانگری تو جبران نداریم کنم و زیر سایه عفو تو به‌پا ایستم و به جود و کرم تو

أَرْفَعُ بَصْرِي وَإِلَى مَعْرُوفِكَ أَدِيمُ نَظْرِي فَلَا تُحْرِقْنِي بِالنَّارِ وَأَنْتَ

دیده بگشایم و به نیکی تو چشم دوزم پس مرا به آتش مسوزان با اینکه مرکز آرزوی منی و در دوزخم

مَوْضِعُ أَمَلِي وَلَا تُسَكِّنِي الْهَاطِيَةَ فَإِنَّكَ قُرَّهَ عَيْنِي يَا سَيِّدِي لَا

سکونت مده که تو نور چشم منی ای آقای من

تُكَذِّبُ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ وَمَعْرُوفِكَ فَإِنَّكَ ثِقَّتِي وَلَا تَحْرِمْنِي ثَوَابَكَ

گمان مرا به احسان و نیکیات دروغ و بی اصل مکن زیرا تو مورد اطمینان محکم منی و از پاداش نیکیات محرومم مساز که

«فَإِنَّكَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يَقْرَبْنِي مِنْكَ»

تو به نداری من آشنایی. خدایا اگر مرگم نزدیک شده ولی کردارم مرا به تو نزدیک نکرده

عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذُنُوبِي وَسَأَلْتُ عَلَى إِلَهِي إِنْ

من اعتراف به گناهم را وسیله عذر خویش به درگاهت قرار دهم. خدایا اگر درگذری کیست که سزاوارتر از تو

عَفْوَتْ فَمَنْ أُولَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي

به گذشت باشد و اگر عذاب کنی پس کیست که در حکم عادلتر از تو باشد

الْحُكْمِ اِرْحَمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي وَفِي الْقَبْرِ

رحم کن در این دنیا به غربتم و هنگام مرگ به غمزدگیام و در قبر به

وَحَدَّتِي وَفِي اللَّحْدِ وَحْشَتِي وَإِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلٌّ

تنهاییام و در لحد به وحشت و بی‌کسی‌ام و هنگامی که در برابرت به پای حسابم آورند به خواری

مَوْقِفِي وَأَغْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَى الْأَدَمِيِّينَ مِنْ عَمَلِي وَأَدِمْ لِي مَا بِهِ

جایگاهم رحم کن و بیامرز برای من آنچه از کردارم که بر مردم پوشیده مانده و ادامه بده برایم آنچه را که بدان مرا

سَتَرْتَنِي وَارْحَمْنِي صَرِيحاً عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي أَيْدِي أَحِبَّتِي

پوشاندی و در آن حال که در بستر مرگ افتاده و دست‌های یاران مرا به این سو و آن سو کنند

وَتَفْضُلٌ عَلَى مَمْدُوداً عَلَى الْمُغْتَسِلِ يَقْلِبُنِي صَالِحُ جِيرَتِي وَتَحَنُّنٌ

بر من رحم کن و در آن حال که روی سنگ غسلخانه دراز کشیده‌ام و همسایگان شایسته‌ام به اینطرف و آنطرف

عَلَى مَحْمُولًا قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءُ اطِّرَافَ جَنَازَتِي وَجُدَ عَلَى مَنَقُولًا
بر من تفضل کن و هنگامی که خویشان اطراف جنازه‌ام را بر دوش گرفته‌اند با من مهربانی فرما

قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحِيدًا فِي حُفْرَتِي وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ
وهنگامی که تک و تنها در میان گودال قبر بر تو وارد شوم بر من بخشش کن و به غربت من در آن خانه تازه و نو

عُرِّبَتِي حَتَّى لَا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ يَا سَيِّدِي إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي
رحم کن به‌طوری که به‌جز تو انس نگیرم. ای آقای من اگر مرا به خودم واگذاری

هَلَكْتُ سَيِّدِي فَبِمَنْ أَسْتَغِيثُ إِنْ لَمْ تُقِلْنِي عَثْرَتِي فَالِي مَنْ أَفْرَعُ إِنْ
هلاک گردم. آقای من پس به که استغاثه کنم اگر تو لغزشم را نادیده نگیری و به که پناه برم

فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ فِي صُجْعَتِي وَإِلَى مَنْ أَلْتَجِي إِنْ لَمْ تُنْفُسْ كُرْبَتِي
اگر عنایت تو را در آرامگاهم از دست بدهم و به که ملتجی گردم اگر تو غم را برطرف نکنی،

سَيِّدِي مَنْ لِي وَمَنْ يَرْحَمُنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي وَفَضْلَ مَنْ أُؤَمِّلُ إِنْ
آقای من که را دارم و که بر من رحم کند اگر تو بر من رحم نکنی و فضل که را آرزو کنم

عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي وَإِلَى مَنْ الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضَى
در روز نیازمندی‌ام اگر فضل تو را گم کنم و به‌سوی چه کسی از گناهانم بگریزم در آن هنگام که عمرم

أَجَلِي سَيِّدِي لَا تُعَذِّبْنِي وَآءَا أَرْجُوكَ إِلَهِي حَقَّقْ رَجَائِي وَآمِنْ
به‌سر رسد. ای آقای من مرا با اینکه به تو امیدوارم معذب مفرما. خدایا امید مرا تحقق بخش

خَوْفِي فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا أَرْجُو فِيهَا إِلَّا عَفْوَكَ سَيِّدِي أَا نَا أَسْأَلُكَ مَا
و ترسم را امان بخش، زیرا در این گناهان بسیار امیدی جز به عفو تو ندارم. ای آقای من از تو خواهم چیزی را

لَا أَسْتَحِقُّ وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَأَعْفِرْ لِي وَالْبِسْنِي مِنْ
که شایسته آن نیستم و تو شایسته پرهیزکاری هستی و اهل آمرزشی، پس بیامرز مرا و از نظر مرحمت خود
جامه‌ای بر

نَظَرِكَ ثَوْبًا يَعْطَى عَلَى التَّيْبَعَاتِ وَتَغْفِرُهَا لِي وَلَا أُطَالِبُ بِهَا إِنَّكَ ذُو

من بپوشان که گناهانم را بپوشاند و آنها را برایم بیامرز و مورد مؤاخذه قرارم مده که تو دارای

مَنْ قَدِيمٌ وَصَفَحَ عَظِيمٌ وَتَجَاوَزَ كَرِيمٌ إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ
منتی دیرینه و چشم پوشی بزرگ و گذشت بزرگواری هستی. خدایا تویی که فیض خود را

سَيِّبِكَ عَلَى مَنْ لَا يَسْتَلُكَ وَعَلَى الْجَا حِدِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ فَكَيْفَ
حتی بر آنکه درخواست نکند و بر منکران پروردگاریات فروریزی پس چگونه نسبت به کسی که

سَيِّدِي بِمَنْ سَتَلُكَ وَآيَقِنَنَّ أَنَّ الْخَلْقَ لَكَ وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ تَبَارَكْتَ
از تو درخواست کند و یقین داند که جهان خلقت از تو و کار به دست تو است؟ برتری

وَتَعَالَيْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ سَيِّدِي عَبْدُكَ بِبَابِكَ أَقَامَتْهُ الْخَصَاصَةُ
و والایی ای پروردگار جهانیان، ای آقای من بنده ات به درگاهت آمده و تنگدستی او را پیش روی تو

بَيْنَ يَدَيْكَ يَفْرَعُ بَابَ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ فَلَا تُغْرِضْ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ
واداشته و به وسیله دعای خود در خانه احسان تو را می‌کوبد پس آن روی بزرگواریت را از من

عَنِّي وَاقْبَلْ مِنِّي مَا أَقُولُ فَقَدْ دَعَوْتُ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَأَنَا أَرْجُو أَنَّ لَا
بر مگردان و آنچه گویم از من بپذیر، زیرا من به این دعا تو را خواندم و امیدوارم که بازم مگردانی چون

تَرُدَّنِي مَعْرِفَةً مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي لَا يَخْفِيكَ
آشنایی کاملی به مهر و رأفت تو دارم. خدایا تویی که درمانده و سوال پیچت نکند

سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَقُوَّ مَا تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي
سائلی و بخشش و عطا از تو نگاهد تو چنانی که خود گویی و بالاتر از آنی که ما گوییم. خدایا من از تو

أَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا وَفَرَجًا قَرِيبًا وَقَوْلًا صَادِقًا وَأَجْرًا عَظِيمًا
خواهم صبری نیکو و گشایشی نزدیک و گفتاری راست و پاداشی بزرگ

أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ أَسْأَلُكَ
از تو خواهم پروردگارا هرچه خیر و خوبی است چه آنچه می‌دانم و چه آنچه را نمی‌دانم. خواهم از تو

اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرٍ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ
خدایا از بهترین چیزی که بندگان شایسته‌ات خواهند. ای بهترین درخواست‌شدگان

وَأَجُودَ مَنْ أَعْطَى أَعْطَى سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَالِدِي
و ای بخشنده‌ترین عطابخش. عطاکن به من خواسته‌ام را در مورد خود و خانواده و پدر

و وُلْدِي وَأَهْلِي حُزَانَتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ وَأَزْغِدْ عَيْشِي وَأَظْهِرْ
و مادر و فرزندان و بستگان و برادران دینی‌ام و زندگی‌ام را خوش و فراخ گردان

مُرُوتِي وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلَّتْ عُمرُهُ
و مردانگی‌ام را آشکار ساز و تمام حالات مرا اصلاح کن و بگردانم از کسانی که عمرش را طولانی

وَحَسَنَتِ عَمَلُهُ وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ وَرَضِيتَ عَنْهُ وَأَخْيَيْتَهُ حَيَوَةً
و کردارش را نیکو و نعمت را بر او تمام کرده و از او خشنود گشته‌ای و زندگی

طَبِيبَةً فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ وَأَسْبَغِ الْكَرَامَةَ وَأَتَمِّ الْعَيْشِ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا
پاکیزه‌ای به او بخشیده‌ای که در میان پابرجاترین خوشی و وسیع‌ترین کرامت و کامل‌ترین زندگانی روزگار به‌سر
می‌برد

تَشَاءُ وَلَا تَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ خُصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ
و به‌راستی تو هرچه را بخواهی انجام دهی ولی جز تو کسی نتواند هرچه خدا خواهد انجام دهد خدایا مرا به ذکر
مخصوص

وَلَا تَجْعَلْ شَيْئاً مِمَّا اتَّقَرَّبُ بِهِ فِي آثَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً
خود مخصوصم دار و آنچه را من به‌وسیله آن در تمام ساعات و دقایق روز و شب و وسیله تقرب درگاهت قرار دهم
خودنمایی

وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَسْراً وَلَا بَطْراً وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ اللَّهُمَّ
و شهرت طلبی و سرکشی و گردن فرازی قرار مده و مرا از فروتنان درگاهت قرارم بده خدایا

أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزِّ وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ
به من عطا فرما وسعت در روزی، و امنیت در وطن، و چشم روشنی در خاندان

وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَالْمَقَامِ فِي نِعْمِكَ عِنْدِي وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ
و مال و اولاد و پایدار ماندن نعمت‌هایی که در پیش من داری و تندرستی و نیرویی در بدن

وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَاسْتَغْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ

و سلامتی در دین و همیشه تا زنده‌ام مرا به طاعت خود و اطاعت

و طَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَدًا مَا اسْتَغَمَرْتَنِي
پیامبرت محمد صلی الله علیه وآله وادار کن

وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَتُنْزِلُهُ
و بگردانم از پرنسب‌ترین بندگان در هر خیری که نازل کرده و

فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ
در ماه رمضان در شب قدر نازل گردانی و آنچه را در هر سال نازل گردانی از

رَحْمَةٍ تُنْشِرُهَا وَعَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا وَبَلِيَّةٍ تَذْفَعُهَا وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا
مهری که بگسترانی و تندرستی که بپوشانی و بلاهایی که بازگردانی و کارهای خیری که بپذیری

وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا
و زشتی‌هایی را که از آنها درگذری و روزی‌ام کن حج خانه کعبه را در این سال

وَفِي كُلِّ عَامٍ وَارْزُقْنِي رِزْقًا وَاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ وَاصْرِفْ
و در هر سال و روزی‌ام ده روزی فراخی از فضل وسیع خود و بدی‌ها را

عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَأَ وَأَقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَالظُّلُمَاتِ حَتَّى لَا
ای آقام از من دور کن و بدهی‌ها و مظلمه‌هایی که به گردن دارم از من ادا فرما به‌طوری که

أَتَأَذَى بِشَيْءٍ مِنْهُ وَخُذْ عَنِّي بِأَسْمَاعٍ وَأَبْصَارٍ أَعْدَائِي وَخُسَادِي
به خاطر چیزی از آنها ناراحت نباشم و گوش و چشم دشمنان و حسودان

وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ وَانْصُرْنِي عَلَيْهِمْ وَأَقِرَّ عَيْنِي وَفَرِّحْ قَلْبِي وَاجْعَلْ لِي
و ستمکارانم را بر من ببند و بر ایشان یاری‌ام ده و دیده‌ام را روشن کن و دلم را شاد گردان و برایم از

مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَاجْعَلْ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ
اندوه و غم فرج و گشایشی قرار ده و هرکه را از تمامی خلقت که اراده سوئی نسبت به من دارد

جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمَيَّ وَاكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرَّ السُّلْطَانِ
زیر پای من قرارش ده و کفایت کن مرا از شر شیطان و شر سلطان

وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي وَطَهَّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ
و بدی‌های کردارم و پاکم کن از گناهان همگی، و از آتش دوزخ

بِعَفْوِكَ وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَرَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ
به وسیله عفو خود پناهم ده و به رحمت خویش داخل بهشتم گردان و از حوری‌های بهشتی به فضل خود به
همسریم درآور

وَأَلْحِقْنِي بِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدَ وَ إِيَّاهِ الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ
و ملحقم کن به دوستان شایسته‌ات محمد و آتش آن نیکان پاک

الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَجْسَادِهِمْ وَأَرْوَاحِهِمْ
پاکیزه و برگزیده دروهای تو بر ایشان و بر جسد‌هایشان و بر ارواحشان

وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ إِلَهِي وَسِيدِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لِيُنْ طَالِبَتْنِي
و رحمت خدا و برکاتش ای خدای من و آقای من، سوگند به عزت و جلالت اگر مرا در مورد

بِذُنُوبِي لِطَالِبَتْنِكَ بِعَفْوِكَ وَلِيُنْ طَالِبَتْنِي بِلُؤْمِي لِطَالِبَتْنِكَ بِكَرَمِكَ
گناهان بازخواست کنی من نیز تو را به عفو و گذشتت مطالبه می‌کنم و اگر به پستی‌ام مرا مؤاخذه کنی من هم
به کرمت

وَلِيُنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لِأَخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ إِلَهِي وَسِيدِي إِنْ
تو را مطالبه می‌کنم و اگر به دوزخم ببری به دوزخیان گزارش می‌دهم که دوستت دارم ای خدای من و آقای من

كُنْتُ لَا تَعْفُرُ إِلَّا لِأَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ فَإِلَى مَنْ يَفْرَعُ الْمُذْنِبُونَ
اگر نیامیزی مگر دوستان و پیروان را پس به که پناه برند گناهکاران

وَأِنْ كُنْتُ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فَبِمَنْ يَسْتَغِيثُ الْمُسِيئُونَ
و اگر اکرام نکنی مگر نسبت به وفاداران پس به که استغاثه کنند بدکرداران

إِلَهِي إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي ذَلِكَ سُرُورٌ عَدُوِّكَ وَإِنْ أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ
خدایا اگر به دوزخم ببری این کار موجب خوشحالی دشمنم گردد و اگر به بهشتم ببری

فَفِي ذَلِكَ سُرُورٌ نَبِيِّكَ وَنَا وَاللَّهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ
موجب خوشحالی پیامبرت بشود و من به خدا سوگند مسلماً می‌دانم که خوشحال شدن پیامبرت را بیشتر از

سُرُورِ عَدُوِّكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَخَشْيَةً
خوشحال شدن دشمنت دوست داری خدایا از تو می‌خواهم که دلم را پرکنی از محبت و ترس از

مَنْكَ وَتَصْدِيقاً بِكِتَابِكَ وَإِيمَاناً بِكَ وَفَرْقاً مَعَكَ وَشَوْقاً إِلَيْكَ يَا
خودت و تصدیق به کتابت و ایمان به خودت و هراس و اندیشه از خود و اشتیاق به‌سوی خود

ذَاالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ حَبِّبْ إِلَيَّ لِقَائَكَ وَأَخْبِبْ لِقَائِي وَاجْعَلْ لِي فِي
ای صاحب جلال و بزرگواری مرا دوستدار لقای خویش کن و نیز لقای مرا دوست بدار و در

لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ اللَّهُمَّ اَلْحِفْنِي بِصَالِحِ مَنْ مَضَى
لقای خود برای من آرامش و گشایش و کرامتی قرار ده. خدایا مرا به شایستگان از مردم گذشته ملحق کن و از
شایستگان باقیمانده

وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحِ مَنْ بَقِيَ وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ وَأَعِنِّي عَلَى
قرارم ده و به راه شایستگانم ببر و کمکم ده بر مخالفت با

نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَاخْتِمْ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ
هوای نفسم بدانچه کمک دادی شایستگان را بر مخالفتشان با هوای نفس و ختم کن کارم را به نیکوترین کارهایم

وَاجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَعِنِّي عَلَى صَالِحِ مَا أُعْطَيْتَنِي
و پاداشم را از آن کار به رحمت خود بهشت قرار ده و کمکم ده در آنچه به من داده ای که در کار صالح به‌کار بندم

وَتُبَّتْنِي يَا رَبِّ وَلَا تَزِدْنِي فِي سُوءِ اسْتَفْذَنْتَنِي مِنْهُ يَا رَبِّ
و ثابت قدمم دار و بازم مگردان به بدیهایی که از آن نجاتم داده‌ای. ای پروردگار

الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَاناً لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ أَخِينِي مَا
جهانیان، خدایا از تو خواهم ایمانی که انتهایش ملاقات تو باشد و تا زنده‌ام داری به همان ایمان

أَخِيَّتَنِي عَلَيْهِ وَتَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ وَابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ
زنده‌ام دار و چون بمیرانیم بر همان ایمان بمیرانم و چون برانگیزیم بر همان ایمان برانگیزم

وَأَبْرِءْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالشَّكِّ وَالسُّمْعَةِ فِي دِينِكَ حَتَّى يَكُونَ
و پاک کن دلم را از ریا و شک و خودنمایی در دینت تا در نتیجه

عَمَلِي خَالِصاً لَكَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِيْ بَصِيْرَةً فِىْ دِيْنِكَ وَفَهْمًا فِىْ
عَمَلِم خَالِصٍ لِىْ تُوْ بِاشَد. خدایا به من عنایت کن بصیرتی در دینت و فهمی (در شناختن)

حُكْمِكَ وَفِقْهَا فِىْ عِلْمِكَ وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَوَرَعاً يَحْجِزُنِيْ
حکمت و درک خاصی در فهم علمت و دو سهم از رحمتت و پرهیزکاری آنچنانی که مرا

عَنْ مَعَاصِيكَ وَيَبِيْضَ وَجْهِىْ بِنُورِكَ وَاجْعَلْ رَغْبَتِيْ فِيمَا عِنْدَكَ
از گناهانت بازدارد و رویم را به نور خود سفید گردان و شوقم را بدانچه پیش تو است قرار ده

وَتَوْفُقْنِيْ فِىْ سَبِيْلِكَ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُوْلِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهٖ اَللّٰهُمَّ
و در راه خود و بر کیش پیامبرت صلى الله عليه وآله بمیرانم خدایا

اِنِّىْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَسْلِ وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْعُقْلَةِ
به تو پناه می‌برم از کسالت و سستی و اندوه و ترس و بخالت و بی خبری

وَالْقِسْوَةِ وَالْمَسْكَنَةِ وَالْفَقْرِ وَالْفَاقَةَ وَكُلَّ بَلِيَّةٍ وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ
و سنگدلی و بیچارگی و فقر و نداری و از هر بلا و هرزگی هر چه آشکار باشد

مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَقَلْبٍ لَا
از آنها و هر چه پنهان و پناه می‌برم به تو از نفسی که قانع نباشد و شکمی که سیر نشود و دلی که

يَخْشَعُ وَدُعَاءٍ لَا يَسْمَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَاَعُوْذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى
نهراسد و دعایی که پذیرفته نشود و کاری که سود ندهد و پناه می‌برم ای پروردگارم در مورد

نَفْسِيْ وَدِيْنِيْ وَمَالِيْ وَعَلَى جَمِيْعٍ مَا رَزَقْتَنِيْ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ
خویشتن و دین و مال و همه آنچه به من روزی کرده‌ای از شیطان رانده درگاهت

اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ اَللّٰهُمَّ اِنَّهٗ لَا يَجِيْرُنِيْ مِنْكَ اَحَدٌ وَلَا اَحَدٌ
که به‌راستی تو شنوای دانایی. خدایا کسی نیست که مرا از تو درپناه خود گیرد و جز تو پناهگاهی

مِنْ دُوْنِكَ مُلْتَحِداً فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِيْ فِىْ شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ وَلَا
نیابم پس مرا در چیزی از عذاب خود قرارم مده و مرا به هلاکت و عذاب دردناک

تَرُدَّنِيْ بِهَلَكَةٍ وَلَا تَرُدَّنِيْ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّيْ وَاَعْلِ

بازمگردان. خدایا عملم را بپذیر و نامم را بلند کن و

ذِكْرِي وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَحُطِّ زُرِّي وَلَا تَذْكَرْنِي بِخَطِيئَتِي وَاجْعَلْ
درجه ام را بالا بر و گناهم را بریز و به خطایم مرا یاد مکن و

ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ
پاداش این مجلس مرا و پاداش گفتارم را و پاداش دعایم را خوشنودی خودت و بهشت قرار ده

وَأَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ
و بده به من ای پروردگار من، تمام آنچه را از تو خواستم و از فضل خویش بر من بیفز که من به راستی به سویت

رَاغِبٌ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ اَنْ نَغْفُوَ عَمَّنْ
مشتاقم. ای پروردگار جهانیان، خدایا، تو خود در کتابت قرآن برای ما نازل فرمودی که ما گذشت کنیم از کسی که

ظَلَمْنَا وَقَدْ ظَلَمْنَا اَنْفُسَنَا فَاعْفُ عَنَّا فَانْتَكَ اُولَىٰ بِذَلِكِ مِنَّا وَاَمَرْتَنَا
به ما ستم کرده و ما به خودمان ستم کردیم پس از ما درگذر که تو از ما سزاوارتر بدین کار هستی و به ما دستور
دادی

اَنْ لَا نَرُدَّ سَائِلًا عَنْ اَبْوَابِنَا وَقَدْ جِئْتُكَ سَائِلًا فَلَا تَرُدَّنِي اِلَّا بِقَضَاءٍ
که هیچ خواهنده ای را از در خانه مان بازنگردانیم و من به صورت خواهندگی به درگاهت آمده ام و بازم مگردان جز
با روا شدن

حَاجَتِي وَاَمَرْتَنَا بِالْاِحْسَانِ اِلَىٰ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُنَا وَنَحْنُ اَرْقَاءُكَ
حاجتم و به ما دستور دادی که نسبت به بردگان مان احسان و نیکی کنیم و ما بردگان تویم

فَاعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ يَا مَفْرَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَيَا عَوْثِي عِنْدَ
پس ما را از آتش دوزخ آزاد فرما. ای پناهم در هنگام اندوه و غم ای فریادرسم در هنگام

شِدَّتِي اِلَيْكَ فَزِعْتُ وَبِكَ اسْتَعَثْتُ وَلَدْتُ لَا اَلُوْدُ بِسِوَاكَ وَلَا اَطْلُبُ
سختی به درگاه تو زاری کنم و به تو استغاثه کنم و به تو پناه آرم و به دیگری پناه نبرم و گشایش نخواهم

الْفَرَجَ اِلَّا مِنْكَ فَاعْنُنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يُمْكُ الْاَسِيرَ وَيَغْفُو عَنْ
جز از تو، پس تو به فریادم برس و گشایشی در کارم بده ای که اسیر و گرفتار را آزاد کنی و از گناه

الْكَثِيرِ اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاغْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ اِنَّكَ اَنْتَ الرَّحِيْمُ
بسیار بگذری. طاعت اندک را از من بپذیر و از گناه بسیارم بگذر که به راستی تو مهربان

الْغَفُوْرُ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اِيْمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِيْ وَيَقِيْنًا صَادِقًا حَتّٰى اَعْلَمَ
آمرزنده‌ای. خدایا از تو خواهم ایمانی که همیشه دلم با آن همراه گردد و یقینی راست و کامل که بدانم

اَنَّهُ لَنْ يَّصِيْبَنِيْ اِلَّا مَا كَتَبْتَ لِيْ وَرَضْنِيْ مِنَ الْغَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِيْ
مسلماً چیزی به من نرسد جز آنکه بر من نوشته‌ای و خوشنودم کن در زندگی به همانکه نصیبم کرده‌ای

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

ای مهربانترین مهربانان

پنجم و نیز شیخ فرموده که در سحر این دعا را می‌خوانی

يَا عُدَّتِيْ فِيْ كُرْبَتِيْ وَيَا صَاحِبِيْ فِيْ شِدَّتِيْ وَيَا وَلِيِّيْ فِيْ نِعْمَتِيْ
ای ذخیره‌ام در گرفتاری‌ام و ای یار همراهم در سختی و ای سرپرستم در نعمت

وَا يَا غَايَتِيْ فِيْ رَغْبَتِيْ اَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِيْ وَالْمُؤْمِنُ رَوْعَتِيْ
و ای منتهای رغبت و شوقم تویی پوشاننده زشتی‌ام و امنیت بخش هراسم و نادیده‌گیر

وَالْمُقِيْلُ عَثْرَتِيْ فَاغْفِرْ لِيْ خَطِيْئَتِيْ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ خُشُوْعَ
لغزشم، پس بیامرز برای من خطایم را. خدایا از تو خواهم فروتنی

الْاِيْمَانِ قَبْلَ خُشُوْعِ الدُّلِّ فِي النَّارِ يَا وَاحِدُ يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ
ایمان به تو را پیش از آنکه خواری در دوزخ فروتنم گرداند. ای یگانه، ای یکتا، ای بی نیاز

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ يَا مَنْ يَّعْطِيْ مَنْ سَأَلَهُ تَحَنُّنًا
ای که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و برایش همتایی نیست هیچکس ای که هرکس از او درخواست کند از
روی عطوفت

مِنْهُ وَرَحْمَةً وَيَبْدِيْ بِالْخَيْرِ مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ تَفْضُلًا مِنْهُ وَكَرَمًا
و مهر به او می‌دهد و آغاز به نیکی کند از روی فضل و کرم نسبت به کسی که از او درخواست نکرده (خدایا) به
حق

بِكَرَمِكَ الدَّائِمِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَهَبْ لِي رَحْمَةً وَاسِعَةً
کرم همیشگی‌ات. درود فرست بر محمد و آل محمد و بخش به من رحمتی وسیع

جَامِعَةً أَبْلُغُ بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَغْفِرُكَ لِمَا تُبْتُ
و جامع که به وسیله آن به خیر دنیا و آخرت نائل گردم. خدایا من از تو آمرزش خواهم برای گناهانی که پس از
توبه

اَلِیْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِیْهِ وَاَسْتَغْفِرُكَ لِکُلِّ خَيْرٍ اَرَدْتُ بِهِ وَجْهَکَ
کردن دوباره بدانها دست زده‌ام و از تو آمرزش خواهم برای هر کار خیری که در انجام آن ذات تو را قصد کردم

فَخَالَطَنِيْ فِیْهِ مَا لَیْسَ لَکَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
ولی چیزهای دیگری هم در آن مخلوط گشت. خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاعْفُ عَنِّ ظُلْمِيْ وَجُرْمِيْ بِحِلْمِكَ وَجُودِكَ يَا كَرِيْمُ يَا مَنْ لَا
و بگذر از ظلم و جنایت من به بردباری و بخشش خود ای بزرگوار، ای که

يَخِيْبُ سَأَلُهُ وَلَا يَنْفَعُ نَائِلُهُ يَا مَنْ عَلَا فَلَاشَيْءٍ فَوْقَهُ وَدَنَى فَلَا
نومید نکند خواهنده‌اش را و تمام‌شدنی نیست عطایش. ای که والا است و چیزی فوق او نیست و نزدیک آمد

شَيْءٌ دُونَهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِيْ يَا فَالِقَ الْبَحْرِ
و چیزی از او نزدیکتر نیست. درود فرست بر محمد و آل محمد و به من رحم کن ای شکافنده دریا

لِمُوسَى الْلَّيْلَةَ الْلَّيْلَةَ الْلَّيْلَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ
برای حضرت موسی، در همین امشب، امشب، امشب، همین ساعت، همین ساعت، همین ساعت. خدایا پاک
کن

قَلْبِيْ مِنَ النَّفَا وَعَمَلِيْ مِنَ الرِّیَاءِ وَلِسَانِيْ مِنَ الْکَذِبِ وَعَيْنِيْ مِنَ
دلم را از نفاق و کارم را از ریا و زبانم را از دروغ و چشمم را از

الْخِيَانَةِ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُوْرُ يَا رَبِّ هَذَا
خیانت، زیرا تویی که خیانت‌های چشم‌ها و آنچه را سینه‌ها در خود پنهان کنند می‌دانی. پروردگارا اینجاست

مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ هَذَا مَقَامُ
جایگاه پناه برنده به تو از آتش. این است جایگاه پناه خواهنده تو از آتش

الْمُسْتَنْغِيثِ بِكَ مِنَ النَّارِ هَذَا مَقَامُ الْهَارِبِ إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ هَذَا مَقَامُ
این است جایگاه فریادخواه تو از آتش. این است جایگاه گریزان بدرگاهت از آتش. این است جایگاه

مَنْ يَبُوءُ لَكَ بِخَطِيئَتِهِ وَيَعْتَرِفُ بِذَنْبِهِ وَيُتَوُّبُ إِلَى رَبِّهِ هَذَا مَقَامُ
کسی که بازگشته به سوی تو از خطاکاری اش و معترف است به گناهش و به سوی پروردگارش توبه کند. این است
جایگاه

الْبَائِسِ الْفَقِيرِ هَذَا مَقَامُ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ هَذَا مَقَامُ الْمَحْزُونِ
مستمند بینوا. این است جایگاه ترسان پناهنده، این است جایگاه اندوهناک

الْمَكْرُوبِ هَذَا مَقَامُ الْمَغْمُومِ الْمَهْمُومِ هَذَا مَقَامُ الْغَرِيبِ الْغَرِيقِ
غمزده، این است جایگاه دلگیر افسرده، این است جایگاه دور از وطن غرق شده

هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَوْحِشِ الْفَرِّ هَذَا مَقَامُ مَنْ لَا يَجِدُ لِدَنْبِهِ غَافِرًا
این است جایگاه وحشت زده هراسان، این است جایگاه کسی که نیابد جز تو آمرزنده ای

غَيْرِكَ وَلَا لِيُصْغِفَهُ مُقَوِّبًا إِلَّا أَنْتَ وَلَا لَهُمْ مَفْرَجًا سِوَاكَ يَا اللَّهُ يَا
برای گناهش و نه توانا بخشی برای ناتوانی اش جز تو و نه غمزده ای برای اندوهش جز تو. ای خدا، ای

كَرِيمٌ لَا تُحْزِرُ وَجْهِي بِالنَّارِ بَعْدَ سُجُودِي لَكَ وَتَعْفِيرِي بِغَيْرِ مَنْ
کریم، مسوزان رویم را به آتش، پس از آنکه برای تو سجده کرده و بدون آنکه منتهی بر تو داشته باشم

مَنْنِي عَلَيْكَ بَلْ لَكَ الْحَمْدُ وَالْمَنْ وَالْتَفَضُّلُ عَلَى إِزْحَمِ أَيْ رَبِّ أَيْ
آترا به خاک مالیده ام بلکه برای تو است ستایش و منت گذاری و زیاده بخشی بر من. رحم کن ای پروردگرم ...

رَبِّ أَيْ رَبِّ بگوید تا آنکه نفس قطع شود صَغْفَى وَقَلَّةَ حِيلَتِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَتَبَدُّدَ
... به ناتوانی و بیچارگی من و نازکی پوست بدنم و گسیختن

أَوْصَالِي وَتَنَاقُثُ لَحْمِي وَجِسْمِي وَجَسَدِي وَوَحْدَتِي وَوَحْشَتِي
بند بند اعضايم و فرو ریختن گوشت تنم و پیکرم و تنهایی ام و وحشت

فِي قَبْرِي وَجَزَعِي مِنْ صَغِيرِ الْبَلَاءِ أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ قُرَّةَ الْعَيْنِ
قبرم و بی تابی ام از بلای کوچک. از تو خواهم پروردگارا روشنی دیده

وَالْإِغْتِبَاطَ يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَالنَّدَامَةِ بَيْضَ وَجْهِهِ يَا رَبِّ يَوْمَ تَسْوَدُّ
و شادمانی در روز حسرت و پشیمانی، سفید گردان رویم را پروردگارا در روزی که روها سیاه گردند

الْوُجُوهَ آمَتَى مِنَ الْفَرْعِ الْأَكْبَرِ أَسْأَلُكَ الْبُشْرَى يَوْمَ تُقَلَّبُ الْقُلُوبُ
امانم بخش از هراس بزرگ، از تو خواهم مژده در روزی که دلها و دیده‌ها زیر و رو گردند

وَالْأَبْصَارَ وَالْبُشْرَى عِنْدَ فِرَا الدُّنْيَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْجُوهُ عَوْنًا
و مژده در وقت جدایی از این دنیا. ستایش خاص خدایی است که امید کمک او را در دوران

لی فی حیاتِی وَأَعِدُّهُ ذُخْرًا لِيَوْمِ فَاقَتِی الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ وَلَا أَدْعُو
زندگی دارم و برای روز بینوایی‌ام او را ذخیره کرده ام. ستایش خدایی را است که او را بخوانم و جز او

غَيْرُهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَخَيِبَ دُعَائِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْجُوهُ وَلَا
کسی را نخوانم و اگر هم غیر او را بخوانم دعایم به اجابت نرسد. ستایش از آن خدایی است که امیدم به او است
و جز

أَرْجُو غَيْرَهُ وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنْعِمِ
او به کسی امید ندارم و اگر به دیگری امید داشته باشم ناامید گردم. ستایش خاص خدای نعمت بخش

الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُفْضِلِ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَلِي كُلِّ نِعْمَةٍ
نیکوده زیبا کردار زیاده بخش است که صاحب جلال و بزرگواری است و سرپرست هر نعمت

وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ وَقَاضِي كُلِّ حَاجَةٍ اَللّهُمَّ
و صاحب هر خوبی و سرحد نهایی هر شوق و رغبت و برآورنده هر حاجتی است. خدایا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي الْيَقِينَ وَحُسْنَ الظَّنِّ بِكَ
درد فرست بر محمد و آل محمد و روزیم کن یقین و خوش گمانی به خودت

وَأَثَبْتُ رَجَائَكَ فِي قَلْبِي وَاقْطَعْ رَجَائِي عَمَّنْ سِوَاكَ حَتَّى لَا أَرْجُو
و محکم کن امیدت را در دلم و قطع کن امیدم را از غیر خود تا اینکه جز تو به کسی امید

غَيْرِكَ وَلَا أَتَقَرَّ إِلَّا بِكَ يَا لَطِيفًا لِمَا تَشَاءُ اَلطُّفُ لِي فِي جَمِيعِ
نداشته و جز تو به کسی اعتماد نکنم. ای لطف کننده به هر چه خواهی، به من لطف فرما در تمام

أَحْوالِي بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى يَا رَبِّ إِنِّي ضَعِيفٌ عَلَى النَّارِ فَلَا
حالاتم بدانچه دوست داری و خشنود شوی. پروردگارا من بر تحمل آتش ناتوانم پس

تُعَذِّبْنِي بِالنَّارِ يَا رَبِّ اَرْحَمْ دُعَائِي وَتَصَرُّعِي وَخَوْفِي وَذُلِّي
به آتش عذابم مکن. پروردگارا به دعا و تضرع و ترس و خواری

وَمَسْكَنَتِي وَتَعْوِيذِي وَتَلْوِيذِي يَا رَبِّ إِنِّي ضَعِيفٌ عَنْ طَلَبِ
و بیچارگی و پناهندگی و پناه خواهیم رحم کن، پروردگارا من از طلب

الدُّنْيَا وَأَنْتَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِقُوَّتِكَ عَلَى ذَلِكِ وَفُؤْدَتِكَ
دنیا ناتوانم و تو گشایش ده بزرگواری. از تو خواهم پروردگارا به نیرویت بر این کار و قدرتی که

عَلَيْهِ وَغِنَاكَ عَنْهُ وَحَاجَتِي إِلَيْهِ أَنْ تَرْزُقَنِي فِي عَامِي هَذَا وَشَهْرِي
بر آن داری و بی نیازیات از آن و نیاز من بدان که روزی ام کن در این سال و در این ماه

هَذَا وَيَوْمِي هَذَا وَسَاعَتِي هَذِهِ رِزْقاً تُغْنِينِي بِهِ عَنْ تَكَلُّفِ مَا فِي
و در همین امروز و همین ساعت یک چنان روزی ای که به وسیله آن مرا از به زحمت درآوردن آنچه در

أَيْدِي النَّاسِ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ أَيْ رَبِّ مِنْكَ أَطْلُبُ وَإِلَيْكَ
دست مردم است بی نیاز کنی. از آن روزی حلال و پاکیزهات، پروردگارا از تو می جویم و به درگاه

أَرْغَبُ وَإِيَّاكَ أَرْجُو وَأَنْتَ أَهْلُ ذَلِكَ لَا أَرْجُو غَيْرَكَ وَلَا أَثِقُ إِلَّا بِكَ
تو رغبت کنم و از تو امیدوارم و تو شایسته آنی به جز تو به کسی امید ندارم و جز تو به کسی اعتماد ندارم

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَيْ رَبِّ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي
ای مهربان ترین مهربانان. پروردگارا من به خویشتن ستم کرده پس مرا بیامرز و به من رحم کن

وَعَافِنِي يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ وَيَا جَامِعَ كُلِّ قَوْتٍ وَيَا بَارِيَّ النَّفُوسِ
و عافیتم ده ای شنوای هر صدا و ای گردآورنده هر چه از دست رفته و ای آفریننده جانها

بَعْدَ الْمَوْتِ يَا مَنْ لَا تَغْشَاهُ الظُّلُمَاتُ وَلَا تَشْتَبِيهِ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ
پس از مرگ. ای که نپوشانندش تاریکیها و مشتبه نشود بر او صداها

وَلَا يَشْغَلُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ أَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَفْضَلَ

و سرگرمش نکند چیزی از چیز دیگر، عطا کن بر محمد صلی الله علیه و آله بهترین چیزی را

ما سَأَلْكَ وَأَفْضَلَ مَا سَأَلْتُ لَهُ وَأَفْضَلَ مَا أَنْتَ مَسْئُولٌ لَهُ إِلَى يَوْمٍ
که او از تو خواسته و بهتر چیزی که برای او از تو درخواست شده و بهتر چیزی که از تو تا روز

الْقِيَامَةِ وَهَبْ لِي الْعَافِيَةَ حَتَّى تُهَيِّئَنِي الْمَعِيشَةَ وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرِ
قیامت برای او درخواست کنند و تندرستی به من عنایت کن تا اینکه زندگی بر من گوارا شود و کارم را

حَتَّى لَا تُضَرَّنِي الذُّنُوبُ اَللَّهُمَّ رَضِّنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي حَتَّى لَا
ختم بخیر فرما تا گناهان زیانم نرساند. خدایا خشنودم گردان بدانچه روزی‌ام کرده‌ای که دیگر

أَسْأَلُ أَحَدًا شَيْئاً اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لِي
از هیچ‌کس چیزی نخواهم. خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و خزینه‌های رحمتت را بر من

خَزَائِنَ رَحْمَتِكَ وَارْحَمْنِي رَحْمَةً لَا تُعَذِّبُنِي بَعْدَهَا أَبَدًا فِي الدُّنْيَا
بگشا و رحمتی به من بده که پس از آن هرگز در دنیا

وَالْآخِرَةِ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا لَا تُفْقِرْنِي
و آخرت مرا عذاب نفرمایی و روزی‌ام ده از فضل وسیع خود روزی حلال پاکیزه‌ای که مرا جز بدرگاهت فقیر و
نیازمند

إِلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ سِوَاكَ تَزِيدُنِي بِذَلِكَ شُكْرًا وَإِلَيْكَ فَاقَةً وَفَقْرًا وَبِكَ
درگاه دیگری نکنی و سپاسگزاری مرا در برابرش افزون و نیاز و احتیاجم را به درگاه خود زیاده گردانی

عَمَّنْ سِوَاكَ غِنًا وَتَعَفُّفًا يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا
و به‌وسیله خود مرا از دیگران بی‌نیاز و خویشتن دار گردانی. ای نیکوکار و ای زیباکردار، ای نعمت بخش، ای زیاده
بخش، ای

مَلِيكَ يَا مُقْتَدِرُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاكْفِنِي الْمُهَمَّ كُلَّهُ
پادشاه، ای نیرومند، درود فرست بر محمد و آل محمد و مهمات کارم را کفایت فرما و به‌خوبی حاجت روایم

وَأَقْضِ لِي بِالْحُسْنَى وَبَارِكْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي وَأَقْضِ لِي جَمِيعَ
کن و در تمام کارهایم برکت ده و همه حاجاتم را برآور

حَوَائِجِي اَللّٰهُمَّ يَسِّرْ لِيْ مَا اَخَافُ تَعْسِيْرَهُ فَاِنَّ تَيْسِيْرَ مَا اَخَافُ
خدایا آسان گردان برابم آنچه را از دشواری اش می ترسم، زیرا آسان کردن آنچه من از دشواری اش می ترسم

تَعْسِيْرَهُ عَلَيَّ سَهْلٌ يَّسِيْرٌ وَسَهْلٌ لِّيْ مَا اَخَافُ حُزُوْنَتَهُ وَنَفْسٌ عَنِّيْ
بر تو آسان و کوچک است و هموار ساز برابم آنچه را از ناهمواری اش می ترسم و برطرف کن از من

مَا اَخَافُ ضَيْقَهُ وَكُفَّ عَنِّيْ مَا اَخَافُ هَمَّهُ وَاصْرِفْ عَنِّيْ مَا اَخَافُ
آنچه را از فشار و تنگی اش ترسم و باز دار از من آنچه را از اندوهش ترسم و دور ساز از

بَلِيَّتُهُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ اَمْلَأْ قَلْبِيْ حُبًّا لَّكَ وَخَشْيَةً مِنْكَ
من آنچه را ترس گرفتاری اش را دارم. ای مهربان ترین مهربانان، خدایا دلم را پرکن از دوستی و ترس خود و

وَتَصَدِيقًا لَّكَ وَاِيْمَانًا بِكَ وَفَرَقًا مِنْكَ وَشَوْقًا اِلَيْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ
تصدیق کردند و ایمان به تو و هراس و شوق به سویت، ای صاحب جلال

وَالْاِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ لَكَ حُقُوْقًا فَتَصَدِّ بِهَا عَلٰى وَلِلنَّاسِ قِبَلِيْ
و بزرگواری، خدایا به راستی برای تو به گردن من حقوقی است پس آنها را بر من ببخش و برای مردم نیز

تَبِعَاتٌ فَتَحَمَّلْهَا عَنِّيْ وَقَدْ اَوْجَبْتَ لِكُلِّ ضَيْفٍ قِرٰی وَ اَنَا ضَيْفُكَ
به عهده من حقوقی است که تو آنها را ادا فرما و تو برای هر میهمانی پذیرایی مقرر فرمودی و من نیز میهمان
توام

فَاَجْعَلْ قِرٰی اللَّيْلَةِ الْجَنَّةِ يَا وَهَّابَ الْجَنَّةِ يَا وَهَّابَ الْمَغْفِرَةِ وَلَا
و پذیرایی ام را در این شب بهشت قرار ده، ای بخشاینده بهشت، ای بخشاینده آمرزش

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ
جنبش و نیرویی نیست جز به تو

ششم می خوانی دعای ادريس را که شيخ و سيد روايت کرده اند
طالب آن رجوع بمصباح يا اقبال نماید هفتم می خوانی اين دعا را که مختصرترين دعاهاى سحر است و در اقبال
است :

يَا مَفْرَعِيْ عِنْدَ كُرْبَتِيْ وَيَا غَوْثِيْ عِنْدَ شِدَّتِيْ
ای پناهگاهم در هنگام غمزدگی و ای دادرسم در هنگام سختی و دشواری

إِلَيْكَ فَزِعْتُ وَبِكَ اسْتَعْتُتُ وَبِكَ لُذْتُ لَا أَلُودُ بِسِوَاكَ وَلَا أَطْلُبُ
به درگاهت زاری کنم و به تو استغاثه کنم و به تو پناه آورم و به جز تو به دیگری پناه نبرم و گشایش

الْفَرَجِ إِلَّا مِنْكَ فَأَغِثْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ
را جز از تو نخواهم، پس به دادم برس و گشایشی به من ده ای که بپذیری (طاعت) اندک را و بگذری از (گناه)

الكَثِيرِ إِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ
بسیار، بپذیر از من (طاعت) اندک را و بگذر از (گناه) بسیار که به راستی تو آمرزنده

الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَيَقِينًا حَتَّى أَعْلَمَ
و مهربانی، خدایا از تو ایمانی خواهم که همیشه دلم با آن همراه باشد و یقینی خواهم که (بدان وسیله) بدانم

أَنَّهُ لَنْ يَصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَرَضَّيْنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي
که چیزی به من نرسد جز آنچه برایم نوشته‌ای و خشنودم کن از زندگی به همان که نصیبم کرده‌ای

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي وَيَا
ای مهربان‌ترین مهربانان، ای ذخیره‌ام در غم‌دگی و ای یار همراهم در سختی و ای

وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي
سرپرستم در نعمت و ای منتهای شوق و رغبتم، تویی پوشاننده زشتی‌هایم

وَالْأَمْنُ رَوْعَتِي وَالْمُقِيلُ عَثْرَتِي فَأَغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي يَا أَرْحَمَ
و امان بخش هراس و دلهره‌ام و چشم‌پوش لغزشم پس بیامرز خطایم را ای مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ
مهربانان

هشتم می‌خوانی این تسبیحات را که در اقبال است نیز سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ
منزه است آنکه

جَوَارِحِ الْقُلُوبِ سُبْحَانَ مَنْ يَخْصِي عَدَدَ الذُّنُوبِ سُبْحَانَ مَنْ لَا
مصیبات و تأثرات دل‌ها را داند، منزه است آنکه شماره گناهان را دارد، منزه است آنکه

يُخْفِي عَلَيْهِ خَافِيَةٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ سُبْحَانَ الرَّبِّ

چیزی در آسمان‌ها و زمین‌ها بر او پنهان نماند، منزّه است پروردگار

الْوَدُودِ سُبْحَانَ الْفَرْدِ الْوَحْدِ سُبْحَانَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ سُبْحَانَ مَنْ
مهرپیشه، منزّه است یکتای یگانه، منزّه است خدای بزرگ و بزرگتر، منزّه است آنکه

لَا يَغْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ
ستم بر اهل کشور خود نکند، منزّه است آنکه نگیرد زمینیان را

بِأَلْوَانِ الْعَذَابِ سُبْحَانَ الْخَنَّانِ الْمَتَّانِ سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ
به عذاب رنگارنگ، منزّه است احسان بخش پر نعمت، منزّه است خدای رؤف مهربان

سُبْحَانَ الْجَبَّارِ الْجَوَادِ سُبْحَانَ الْكَرِيمِ الْخَلِيمِ سُبْحَانَ الْبَصِيرِ
منزّه است خدای مقتدر بخشنده، منزّه است (خدای) بزرگوار بردبار، منزّه است (خدای) بینای

الْعَلِيمِ سُبْحَانَ الْبَصِيرِ الْوَاسِعِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى إِقْبَالِ النَّهَارِ
دانا، منزّه است بینای وسعت بخش، منزّه است خدا هنگام آمدن روز

سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى إِدْبَارِ النَّهَارِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى إِدْبَارِ اللَّيْلِ وَإِقْبَالِ
منزّه است خدا هنگام رفتن روز، منزّه است خدا در وقت رفتن شب و آمدن

النَّهَارِ وَلَهُ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَالْعَظَمَةُ وَالْكِبَرِيَاءُ مَعَ كُلِّ نَفْسٍ وَكُلِّ
روز و از آن او است ستایش و شوکت و بزرگی و کبریا با هر نفس کشیدن و هر

طَرْفَةِ عَيْنٍ وَكُلِّ لَمْحَةٍ سَبَقَ فِي عِلْمِهِ سُبْحَانَكَ مِلْأُ مَا أَحْصَى
چشم به هم زدن و هر اشاره‌ای که در علم او گذشته است منزّهی تو به پری آنچه کتاب

كِتَابُكَ سُبْحَانَكَ زُيْنَةُ عَرْشِكَ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ
تو احصا کند. منزّهی تو هموزن عرشت منزّهی تو . . .

بسم الله الرحمن الرحيم
به نام خداوند بخشنده مهربان

إلهی لا تُؤدِّبْنی بِعُقُوبَتِکَ وَلَا تَمَكِّرْ بى فِى
خدایا مرا به مجازات و عقوبت ادب مکن و مکر مکن به من

حیلَتِکَ مِنْ أینَ لى الْخَیْرِ یا رَبِّ وَلَا یُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِکَ وَمِنْ أینَ
با حیهات. از کجا خیرى به دست آورم ای پروردگار من با اینکه خیرى یافت نشود جز در پیش تو و از کجا

لى النَّجَاهِ وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِکَ لَا الَّذِى أَحْسَنَ اسْتَعْنِی عَنْ عَوْنِکَ
نجاتى برايم باشد با اینکه نجاتى نتوان یافت جز به کمک تو. نه آن کس که نیکی کند بى نیاز است از کمک تو

وَرَحْمَتِکَ وَلَا الَّذِى أَسَاءَ وَاجْتَرَّ عَلَیْکَ وَلَمْ یَرْضِکَ خَرَجَ عَنْ
و رحمتت و نه آنکس که بد کند و دلیری بر تو کند و خوشنودىات نجوید از تحت قدرت تو بیرون رود

فُذِّرْتَکَ یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ (بگويد تا آنکه نفس قطع شود (بِکَ) عَرَفْتُکَ
ای پروردگار من ... به وسیله خودت من ترا شناختم

وَأَنْتَ دَلَّلْتَنِی عَلَیْکَ وَدَعَوْتَنِی إِلَیْکَ وَلَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ
و تو مرا بر خود راهنمایی کردی و به سوى خود خواندی و اگر تو نبودی من ندانستم که تو کیستی

الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِى أَدْعُوهُ فِیجِیْبُنِی وَ إِنْ کُنْتُ بَطِیئاً حِینَ یَدْعُونِی
ستایش خدایی را که می خوانمش و او پاسخم دهد و اگرچه وقتى می خواندم به کندی به درگاهش روم

وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِى أَسْأَلُهُ فِیْغَیْطِیْنِی وَ إِنْ کُنْتُ بَخِیلاً حِینَ یَسْتَقْرِضُونِی
و ستایش خدایی را که می خواهم از او و به من عطا می کند و اگرچه در هنگامى که او از من چیزی قرض خواهد
من بخل کنم

وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِى أُنَادِیْهِ کُلَّما شِئْتُ لِحَاجَتِی وَأَخْلُو بِهِ حَیْثُ شِئْتُ
و ستایش خدایی را که هرگاه برای حاجتى بخواهم او را ندا کنم و هر زمان بخواهم برای

لِسِرِّی بَغِیرِ شَفِیعٍ فِیقْضِی لى حَاجَتِی الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِى لَا أَدْعُو غَیْرَهُ
راز و نیاز بدون واسطه با او خلوت کنم و او حاجتم را برآورد. ستایش خدایی را که جز او

وَلَوْ دَعَوْتُ غَیْرَهُ لَمْ یَسْتَجِبْ لى دُعَائِی وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِى لَا أَرْجُو
کسى را نخوانم و اگر غیر او دیگری را می خواندم دعایم را مستجاب نمى کرد و ستایش خدایی را که به جز او

غَيْرُهُ وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَّلَنِي

امید ندارم و اگر به غیر او امیدی داشتم ناامیدم می‌کرد و ستایش خدایی را که مرا به حضرت خود

إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ فَيَهِيئُونِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

واگذار کرده و از این رو به من اکرام کرده و به مردم واگذارم نکرده که مرا خوارکنند و ستایش خدایی را که

تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِي عَنِّي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَأَنِّي

با من دوستی کند در صورتی که از من بی نیاز است و ستایش خدایی را که نسبت به من بردباری کند تا به جایی که

لَا ذَنْبَ لِي فَرَّبَنِي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَأَحَقُّ بِحَمْدِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ

گویا گناهی ندارم. پس پروردگار من ستوده‌ترین چیزها است نزد من و به ستایش من سزاوارتر است. خدایا من همه راه‌های

سُبُلِ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ مُتَرَعَةً

مقاصد را به سوی تو باز می‌بینم و چشمه‌های امید را به‌سویت سرشار می‌یابم

وَالْإِسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَلَكَ مُبَاحَةً وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ

و یاری جستن به فضل تو برای آرزومندانت مباح و بی‌مانع است و درهای دعا به‌سوی تو برای

لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِي بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ وَلِلْمُلْهُوفِينَ

فریادکنندگان باز است و به خوبی می‌دانم که تو برای اجابت شخص امیدوار آمده‌ای و برای فریادرسی اندوهگینان

بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ عِوَضًا

مهیای فریادرسی هستی و به‌راستی می‌دانم که در پناهندگی به جود و کرم و خشنودی به قضا و قدرت عوضی است

مَنْ مَنَعَ الْبَاطِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَثَارِينَ وَأَنَّ

از جلوگیری کردن بخیلان و گشایشی است از احتیاج بدانچه در دست دنیاطلبان است و به‌راستی

الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ

کوچ کننده به درگاهت راهش نزدیک است و مسلماً تو از خلق خود در حجاب نشوی مگر آنکه

تَحْجِبُهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلِبَتِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ
کردارشان میان آنها و تو حاجب شود و من با مطلبی که دارم قصد تو را کرده

بِحَاجَتِي وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثَتِي وَبِدُعَائِكَ تَوَسَّلِي مِنْ غَيْرِ
و با حاجت خود رو به درگاه تو آوردم و استغاثه‌ام را به درگاه تو قرار دادم و دعای تو را دست آویز خود کردم بی
آنکه من

اسْتَحَقَّا لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي وَلَا اسْتِجَابَ لِعَفْوِكَ عَنِّي بَلْ لِنِقْتِي
استحقاق داشته باشم که تو از من بشنوی و نه مستوجب آنم که از من بگذری بلکه بدان اعتمادی که من

بِكَرَمِكَ وَسُكُونِي إِلَى صِدِّ وَعْدِكَ وَلَجَائِي إِلَى الْإِيمَانِ
به کرم تو دارم و آن اطمینانی که به درستی وعده‌ات دارم و به خاطر پناهندگی‌ام به ایمان

بِتَوْحِيدِكَ وَيَقِينِي بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَنْ لَا رَبَّ [إِلَى] غَيْرِكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا
و اعتقادی که بر یگانگی تو دارم و یقینی که به معرفت و شناسایی تو دارم که می‌دانم پروردگاری غیر

أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ
تو نیست و معبودی جز تو وجود ندارد یگانه‌ای که شریکی برایت نیست خدایا تو فرمودی و گفتارت حق و وعده
ات

صِدِّ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَلَيْسَ مِنْ
راست است (که فرمودی) "و درخواست کنید خدا را از فضلش که به‌راستی او به شما مهربان است" و رسم تو
چنان نیست

صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَأَنْتَ الْمَنَّانُ
ای آقای من که دستور سوال بدهی ولی از عطا و بخشش دریغ نموده و خودداری کنی و تویی بخشاینده

بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنٍ رَأْفَتِكَ إِلَهِي
به عطایا بر اهل کشور خود و متوجه بدانها به مهربانی و رأفتت. خدایا

رَبِّيتَنِي فِي نِعَمِكَ وَإِحْسَانِكَ صَغِيرًا وَنَوَّهْتَ بِاسْمِي كَبِيرًا فَيَا مَنْ
مرا در خردسالی در نعمت‌ها و احسان خویش پروریدی و در بزرگی نامم را بر سر زبان‌ها بلند کردی پس ای که

رَبَّانِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعَمِهِ وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ

در دنیا مرا به احسان و فضل و نعمت‌های خود پروریدی و برای آخرتم

إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي عَلَيْكَ وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي

به عفو و کرم اشارت فرمودی ای مولای من شناسایی‌ام به تو راهنمای من به‌سوی تو است و محبتی که به تو دارم شفیع من است

إِلَيْكَ وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى

به درگاهت و من از راهنمایی کردن این دلیل به‌سوی تو مطمئنم و از پذیرفتن شفیعم از جانب تو

شَفَاعَتِكَ أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ دَنْبُهُ رَبِّ أَنْاجِيكَ

آسوده خاطر. می‌خوانمت ای آقای من به زبانی که گناه لالش کرده. پروردگارا با تو راز گویم

بِقَلْبٍ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ أَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِباً رَاغِباً رَاجِئاً خَائِئِفاً إِذَا

به‌وسیله دلی که جنایت به هلاکتش کشانده می‌خوانمت. ای پروردگار من هراسان و خواهان و امیدوار و ترسان،

رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَزِعْتُ وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ فَإِنْ عَفَوْتَ

ای مولای من هنگامی که گناهانم را مشاهده می‌کنم هراسان شوم و چون بزرگواری تو را بینم به طمع افتم. خدایا اگر بگذری

فَخَيْرٌ رَاحِمٍ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ حُجَّتِي يَا إِلَهَ فِي جُرْأَتِي عَلَى

بهترین مهرورزی و اگر عذاب کنی ستم نکرده‌ای، دلیل و بهانه من ای خدا در اینکه دلیری کنم

مَسْئَلَتِكَ مَعَ إِثْنَانِي مَا تَكْرَهُ جُودُكَ وَكَرَمُكَ وَعَدَّتِي فِي شِدَّتِي مَعَ

در سوال کردن از تو با اینکه رفتارم خوشایند تو نیست همان جود و کرم تو است و ذخیره من در سختی‌ام با

قِلَّةِ حَيَاتِي رَأْفَتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تَخِيْبَ بَيْنَ ذَيْنِ

بی شرمی من همان رأفت و مهربانی تو است و به‌راستی امیدوارم که نومید مکنی میان این و آن آرزویم را

وَذَيْنِ مُنِيتِي فَحَقِّقْ رَجَائِي وَاسْمَعْ دُعَائِي يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ

پس امیدم را صورت عمل ده و دعایم را شنیده گیر ای بهترین کسی که خوانندگان بخوانندش

وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٌ عَظُمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي وَسَاءَ عَمَلِي فَأَعْطِنِي

و برتر کسی که امیدواران بدو امید دارند ای آقایم، آرزویم بزرگ و عملم زشت است پس تو

مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمَلِي وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي فَإِنَّكَ كَرِيمٌ
از عفو خویش به اندازه آرزویم به من بده و مرا به بدترین عملم مؤاخذه مکن زیرا کرم تو برتر است

يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ
از مجازات گناهکاران و بردباری‌ات بزرگتر است از مکافات تقصیرکاران

وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَتَجِرٌّ مَا وَعَدْتَ مِنْ
و من ای آقایم به فضلت پناهنده گشته و از تو به‌سوی خودت گریخته‌ام و خواستارم آنچه را وعده کردی از

الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا وَمَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا خَطَرِي هَبْنِي
چشم پوشی نسبت به کسی که خوش گمان به تو است، من چه‌ام پروردگارا؟ و چه اهمیتی دارم؟ مرا

بِفَضْلِكَ وَتَصَدِّ عَلَى بَعْفُوكَ أَيُّ رَبِّ جَلَلَنِي بِسِتْرِكَ وَاعْفُ عَنِّي
به فضل خویش ببخش با عفو خود بر من نیکی کن و منت گذار، پروردگارا مرا به پوشش خود بیوشان

تَوْبِيخِي بِكَرَمٍ وَجْهَكَ فَلَوْ أَطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرُكَ مَا فَعَلْتُهُ
و به کرم ذاتت از سرزنش کردن من درگذر پس اگر دیگری جز تو بر گناهم آگاه می‌شد آن گناه را انجام نمی‌دادم

وَلَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَا اجْتَنَنْبُهُ لَا لِأَنَّكَ أَهْوَى النَّاطِرِينَ وَأَخَفُّ
و اگر از زود به کیفر رسیدن می‌ترسیدم باز هم خودداری می‌کردم و اینکه با این وصف گناه کردم نه برای آن بود که
تو سبک‌ترین بینندگانی

الْمُطَّلِعِينَ [عَلَى] بَلِّ لَأَنَّكَ يَا رَبِّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ وَأَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ
و یا بی مقدارترین مطلعین هستی بلکه برای آن بود که تو ای پروردگار من، بهترین پوشندگان و حکم‌کننده‌ترین
حاکمان

وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ سَتَّارُ الْغُيُوبِ عَفَّارُ الذُّنُوبِ عَلَّامُ الْغُيُوبِ تَسْتُرُ
و گرامی‌ترین گرامیان و پوشاننده عیوب و آمرزنده گناهانی. گناه را به کرمت می‌پوشانی

الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ وَتَوَخَّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ فَلَاكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ
و کیفر را به واسطه بردباری‌ات به تأخیر اندازی پس تو را ستایش سزا است بر بردباری‌ات، پس

عِلْمِكَ وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَيَحْمِلُنِي وَيَجَرِّئُنِي عَلَى
از دانستن و بر گذشتت پس از توانایی داشتن و همین گذشتت تو از من مرا وادار کرده و دلیر ساخته بر

مَعْصِيَتِكَ حِلْمُكَ عَنِّي وَيَدْعُونِي إِلَى قِلَّةِ الْحَيَاءِ سِتْرُكَ عَلَى
نافرمانیات و همان پرده پوشیات بر من مرا به بی شرمی واداشته

وَيَسِّرْ عَنِّي إِلَى التَّوْبِ عَلَى مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ
و همان معرفتی که من به فراخی رحمتت دارم و بزرگی عفو تو مرا به دست زدن به کارهای حرام شتابان می‌کند

وَعَظِيمِ عَفْوِكَ يَا حَلِيمٌ يَا كَرِيمٌ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمٌ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ يَا
ای بردبار، ای بزرگوار، ای زنده و ای پاینده، ای آمرزنده گناه، ای

قَابِلَ التَّوْبِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ أَيْنَ سِتْرُكَ الْجَمِيلُ
پذیرنده گناه، ای بزرگ نعمت، ای دیرینه احسان، کجاست پرده پوشی زیبایت؟

أَيْنَ عَفْوُكَ الْجَلِيلُ أَيْنَ فَرْجُكَ الْقَرِيبُ أَيْنَ غِيَاثُكَ السَّرِيعُ أَيْنَ
کجاست گذشت بزرگت؟ کجاست گشایش نزدیکت؟ کجاست فریادرسی فوریت؟ کجاست

رَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةُ أَيْنَ مَوَاهِبُكَ الْهَنِيئَةُ أَيْنَ
رحمت وسیعت؟ کجاست عطاهای برجسته‌ات؟ کجاست بخششهای دلچسب؟ کجاست

صَنَائِعُكَ السَّنِيهِ أَيْنَ فَضْلُكَ الْعَظِيمُ أَيْنَ مَنُّكَ الْجَسِيمُ أَيْنَ
نیکی‌های شایانت؟ کجاست فضل عظیمت؟ کجاست نعمت بزرگت؟ کجاست

إِحْسَانُكَ الْقَدِيمُ أَيْنَ كَرَمُكَ يَا كَرِيمٌ بِهِ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَنْقِذْنِي وَ بِرَحْمَتِكَ
احسان دیرینه‌ات؟ کجاست کرم‌ت؟ ای کریم بدان (چه گفتم) و به محمد و آل محمد مرا نجات ده و به رحمتت

فَخَلِّصْنِي يَا مُحْسِنٌ يَا مُجْمِلٌ يَا مُنْعِمٌ يَا مُفْضِلٌ لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي
خلاصم کن، ای نیکو، ای نیکو بخش، ای نعمت ده، ای زیاده بخش چنان نیست که من برای

النَّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى
نجات از عقاب تو به کارهای مان تکیه کنم بلکه به فضلی که بر ما داری تکیه زنم، زیرا تو اهل تقوی

وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ تُبْدِي بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا فَمَا
و شایسته آمرزشی، آغاز کنی به احسان از روی نعمت بخشی و گذشت کنی از گناه از روی کرم و بزرگواری و با این
وضع

نَدْرِي مَا نَشْكُرُ أَجْمِلَ مَا تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحَ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمَ مَا أَبْلَيْتَ
ما ندانیم کدامیک را سپاس گوئیم؛ آن نیکی‌ها که پراکنده کنی یا زشتی‌ها که بپوشانی یا بزرگ آزمایشت

وَأَوْلَيْتَ أَمْ كَثِيرَ مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ وَعَافَيْتَ يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ
و شایستگی نعمتت یا آن همه چیزهایی که ما را از آن نجات داده و عافیت دادی ای دوست کسی که با تو دوستی کند

وَيَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَدَيْكَ وَانْقَطَعَ إِلَيْكَ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ
و ای نور دیده کسی که پناه به تو آرد و از دیگران ببرد تویی نیکوکار و ماییم

الْمُسِيئُونَ فَتَجَاوَزْ يَا رَبِّ عَنْ قَبِيحٍ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلٍ مَا عِنْدَكَ وَآيَ
گنهکار، پس درگذر ای پروردگار از زشتی‌های ما به نیکی‌های خود و کدام

جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ أَوْ آيَ زَمَانٍ أَطُولُ مِنْ أَنْتِكَ وَمَا قَدَّرُ
نادانی است ای پروردگار که جود تو فرایش نگیرد و چه روزگاری درازتر از زمان بردباری تو است و چه ارزشی دارد

أَعْمَالِنَا فِي جَنْبِ نِعْمِكَ وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ أَعْمَالًا نُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ بَلْ
اعمال ما در جنب نعمت‌هایت و چگونه زیاد بشمریم اعمال (بدمان) را که بتوانیم آنها را برابر با کرم تو کنیم بلکه

كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ يَا وَاسِعَ
چگونه ممکن است میدان بر گنهکاران تنگ شود با آن رحمت وسیعت

الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ فَوَ عِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي لَوْ نَهَرْتَنِي
که ایشان را فراگرفته، ای وسیع آمرزش، ای دو دستت به رحمت باز سوگند به عزتت ای آقای من، اگرچه برانیم

مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنْ
من از در خانه‌ات برنخیزم و از تملق و چاپلوسیات دست بردارم چون

الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ
اطلاع از جود و کرم‌ت پیدا کرده‌ام و تویی کننده هرچه خواهی. عذاب کنی هرکه را خواهی

بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ لَا
به هر چه خواهی به هر طور که خواهی و رحم کنی هر که را خواهی به هر چه خواهی هرطور که خواهی

تُسْئَلُ عَنْ فِعْلِكَ وَلَا تُنَازَعُ فِي مُلْكِكَ وَلَا تُشَارَكُ فِي أَمْرِكَ وَلَا
بازپرسی از کار تو نشود و نزاعی در فرمانرواییات رخ ندهد و شریکی در کارت نباشد

تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ وَلَا يَغْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ لَكَ الْخُلُقُ
و ضدیتی در حکمت نباشد و کسی نیست که در تدبیر تو بر تو اعتراض کند. آفرینش

وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ هَذَا مَقَامُ مَنْ لَا دَبَّكَ
و دستور از تو است برتر است خدا، پروردگار جهانیان، پروردگارا این جایگاه کسی است که به تو

وَأَسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ وَأَلْفَ إِحْسَانِكَ وَنِعْمَتِكَ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي
روی آورده و به کرمت پناه جسته و به احسان و نعمت خو گرفته و تویی بخشاینده‌ای که

لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ وَلَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ وَقَدْ تَوَثَّقْنَا
تنگ ناید عفو و کاهش نیابد فضل و بخششت و کم نگردد مهر و رحمت و ما

مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ أَفْتَرَاكَ يَا
بدان چشم پوشی دیرینه و فضل عظیم و رحمت پهناور اعتماد کرده‌ایم آیا چنان می‌بینی

رَبِّ تَخْلِفْ ظَنُّنَا أَوْ تُخَيِّبْ آمَالَنَا كَلَّا يَا كَرِيمُ فَلَيْسَ هَذَا ظَنُّنَا بِكَ
پروردگارا که برخلاف گمان‌های ما رفتار کنی یا آرزوهایمان نومید کنی؟ هرگز! ای کریم چون ما چنین گمانی به تو
نداریم

وَلَا هَذَا فِیْكَ طَمَعُنَا يَا رَبِّ إِنَّ لَنَا فِیْكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا إِنَّ لَنَا فِیْكَ
و طمع ما درباره تو اینگونه نیست. پروردگارا به‌راستی ما درباره تو آرزوی دراز و بسیاری داریم. به‌راستی ما نسبت به
تو

رَجَاءٌ عَظِيمًا عَصِيْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَرْ عَلَيْنَا وَدَعَوْنَاكَ وَنَحْنُ
امید بزرگ و زیادی داریم، تو را نافرمانی کردیم ولی امیدواریم که تو بی‌پوشانی بر ما و خواندیم تو را و امیدواریم

نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا فَحَقَّقْ رَجَاءَنَا مَوْلَانَا فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ
که تو اجابت کنی ما را پس امید ما را تحقق بخش ای مولای ما که به‌راستی ما می‌دانیم که به اعمالمان
مستوجب چه (پاداشی)

بِأَعْمَالِنَا وَلَكِنْ عَلِمْنَا فِينَا وَعِلْمُنَا بِأَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ وَإِنْ كُنَّا

هستیم، ولی علم تو درباره ما و علم ما درباره تو این است که ما را از درگاهت نرانی و اگرچه ما

غَيْرِ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَعَلَى الْمُذْنِبِينَ
مستوجب رحمت تو نیستیم، ولی تو شایسته آنی که بر ما بخشش کنی و بر گناهکاران

بِفَضْلِ سَعَتِكَ فَاْمُنْ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَجُدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُحْتَاجُونَ
به فضل وسعت توجه فرمایی، پس بر ما منت گذار بدانچه تو شایسته آنی و بر ما جود کن که ما نیازمند

إِلَى نَيْلِكَ يَا غَفَّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا وَبِفَضْلِكَ اسْتَعْنَيْنَا وَبِنِعْمَتِكَ
عطای تویییم، ای آمرزنده، به نور تو راه یافتیم و به فضل تو بی نیازی جستیم و به نعمت تو

أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا ذُنُوبَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَنَتُوبُ
صبح و شام کردیم. گناهان ما پیش روی تو است که ما از آنها آمرزش خواهیم و به سویت توبه کنیم

إِلَيْكَ تَتَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَنُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ
تو با نعمت‌هایت بر ما دوستی کنی و ما به گناهان با تو معارضه و برابری کنیم. خیر تو بر ما نازل گردد

وَشَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ
و در برابر شر ما به‌سوی تو بالا آید و تو همیشه تا بوده و هست پادشاه بزرگوار و کریمی بوده ای که از جانب ما
کارهای

قَبِيحٌ فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنَا بِنِعْمِكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالْإِثْمِ
زشت به‌سوی تو آید ولی آنها جلوگیری‌ات نکند از اینکه ما را به نعمت‌های خود فراگیری و خود بر ما تفضل کنی

فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ وَأَعْظَمَكَ وَأَكْرَمَكَ مُبْدِئاً وَمُعِيداً تَقَدَّسَتْ
پس منزهی تو که چقدر بردباری و چه بزرگ و کریمی چه در آغاز (نعمت) و چه در ادامه آن نام‌هایت مقدس

أَسْمَائِكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَكَرَّمَ صَنَائِعُكَ وَفِعَالُكَ أَنْتَ إِلَهِي أَوْسَعُ
و ستایش‌ت ارجمند است و کارها و رفتار ت گرانبها است فضل تو ای معبود من

فَضْلاً وَأَعْظَمَ حِلْماً مِنْ أَنْ تُقَايَسَنِي بِفَعْلِي وَخَطِيئَتِي فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ
وسیع‌تر و بردباری‌ات بزرگتر از آن است که مرا به کردار و گناهم بسنجی. از من درگذر، درگذر،

الْعَفْوُ سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي اَشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ وَاعِدْنَا مِنْ

درگذر ای آقای من... آقای من... آقای من، خدایا ما را به ذکر خود مشغول کن و از

سَخَطِكَ وَأَجْرْنَا مِنْ عَذَابِكَ وَارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ وَأَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ
خَشْمَتِ پناه‌مان ده و از عذابت امانمان ده و از بخشش‌هایت روزیمان گردان و از

فَضْلِكَ وَارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ وَرَحْمَتُكَ
فضل خود بر ما انعام کن و روزی ما کن حج خانه‌ات و زیارت قبر پیامبرت را که درود تو و رحمت

وَمَغْفِرَتُكَ وَرِضْوَانُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ
و آمرزش و خوشنودی‌ات بر او و بر خاندانش باد که به‌راستی تو به خلق نزدیکی و اجابت کننده دعایی

وَارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَتَوْفَقًا عَلَى مِلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ
و عمل به طاعتت را روزی ما گردان و بر کیش خودت و روش پیامبرت که درود تو

عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا
بر او و آلش باد ما را بمیران. خدایا بیامرز مرا و پدر و مادرم را و برای‌شان رحم کن چنانکه مرا در کودکی پروریدند

اجْزِهِمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا وَبِالسَّيِّئَاتِ عُفْرَانًا اللَّهُمَّ اغْفِرْ
و پاداش‌شان بده در برابر نیکی به نیکی و در مقابل بدی‌ها به آمرزش. خدایا بیامرز

لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ
مردان و زنان باایمان را چه زندگان‌شان و چه مردگان‌شان را و پیوند ده میان ما و ایشان را

بِالْخَيْرَاتِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا ذَكِّرْنَا وَأُنْثَانَا
در نیکی‌ها. خدایا بیامرز زنده ما و مرده ما و حاضر ما و غایب ما، مرد ما و زن ما را

صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا حُرًّا وَمَمْلُوكِنَا كَذَّبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلَالًا
کوچک ما و بزرگ ما را، آزاد ما و برده ما را، دروغ گفتند برگشتگان از خدا و گمراه شدند گمراهی

بَعِيدًا وَخَسِرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
دوری و زیان کردند؛ زیان آشکاری، خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَآخِرَتِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي
و کارم را ختم به خیر کن و کفایت کن آنچه اندیشه‌ام را به خود مشغول کرده از کار دنیا و آخرتم

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَاقِيَةً بَاقِيَةً وَلَا
و مسلط مکن بر من کسی را که به من رحم نکند و بنه بر من از نزد خود نگهبانی همیشگی و

تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا
از من نعمت‌های شایسته خود را که به من داده‌ای سلب مفرما و از فضل خویش روزی فراخ

حَلَالًا طَيِّبًا اَللّٰهُمَّ اَحْرِسْنِي بِحِرَاسَتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَاکْلَانِي
و حلال و پاکی برای من روزی گردان. خدایا به نگهبانی خود مرا نگهبانی فرما و به حفظ خود حفظ کن و در
حمایت خود

بِكِلَالَتِكَ وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ
نگاهداریم کن و روزی من کن حج، خانه محترمت را در این سال و در هر سال

وَزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْأُيُمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا تُخْلِنِي يَا رَبِّ مِنْ
و زیارت قبر پیغمبرت و قبور ائمه علیهم السلام را و محروم مکن پروردگارا از

تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ اَللّٰهُمَّ ثَبِّ عَلَيَّ حَتَّى
زیارت این مشاهد شریفه و زیارتگاه‌های گرامی. خدایا توبه ام ده تا

لَا أَعْصِيكَ وَآلْهَمْنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ وَخَشْيَتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا
نافرمانی‌ات نکنم و به دلم انداز کار نیک را و عمل بدان و ترست را در شب و روز تا هنگامی که

أَبْقَيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي كَلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّأْتُ
در این دنیا زنده‌ام داری ای پروردگار جهانیان، خدایا من هر زمان پیش خود گفتم که دیگر مهیا و مجهز شده‌ام

وَقُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَاجَيْتُكَ أَلْقَيْتُ عَلَيَّ نِعَاسًا إِذَا أَنَا
و برخاستم برای خواندن نماز در برابرت و با تو به راز پرداختم تو بر من چرت و پینکی را مسلط کردی در آن هنگامی
که

صَلَّيْتُ وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاتَكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ مَالِي كَلَّمَا قُلْتُ قَدْ
داخل نماز شدم و حال مناجات را از من گرفتی در آن وقتی که به راز و نیاز پرداختم، مرا چه شده است که هرگاه
با خود گفتم

صَلَّحْتُ سَرِيرَتِي وَقُرْبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي عَرَضْتُ

باطن و درونم نیکو شده و نزدیک شده از مجالس توبه‌کنندگان مجلس من، گرفتاری

لِی بَلِیَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِی وَحَالَتْ بَیْنِی وَبَیْنَ خِدْمَتِکَ سَیِّدِی لَعَلَّکَ عَنْ
و پیش آمدی برایم رخ داده که پایم لغزش پیدا کرده و میان من و خدمتگزاریات حائل گشته، ای آقای من، شاید
مرا از در

بَابِکَ طَرَدْتَنِی وَعَنْ خِدْمَتِکَ نَحَّیْتَنِی أَوْ لَعَلَّکَ رَأَیْتَنِی مُسْتَخِفًّا
خانه‌ات رانده‌ای و از خدمتت دورم کرده‌ای یا شاید دیده‌ای سبک شمارم

بِحَقِّکَ فَأَقْصَیْتَنِی أَوْ لَعَلَّکَ رَأَیْتَنِی مُعْرِضًا عَنْکَ فَقَلَّیْتَنِی أَوْ لَعَلَّکَ
حقت را پس دورم کرده‌ای یا شاید دیده‌ای از تو رو گردانده‌ام پس خشمم کرده‌ای یا شاید مرا

وَجَدْتَنِی فِی مَقَامِ الْكَاذِبِیْنَ فَرَفَضْتَنِی أَوْ لَعَلَّکَ رَأَیْتَنِی غَیْرَ شَاکِرٍ
در جایگاه دروغگویانم دیده‌ای پس رهایم کرده‌ای یا شاید دیده‌ای سپاسگزار

لِنِعْمَائِکَ فَحَرَمْتَنِی أَوْ لَعَلَّکَ فَقَدْتَنِی مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِی
نعمت‌هایت نیستم پس محرومم ساخته‌ای یا شاید مرا در مجلس علما، نیافته‌ای پس خوارم کرده‌ای

أَوْ لَعَلَّکَ رَأَیْتَنِی فِی الْغَافِلِیْنَ فَمِنْ رَحْمَتِکَ آیَسْتَنِی أَوْ لَعَلَّکَ
یا شاید مرا در زمره غافلانم دیده‌ای پس از رحمت خویش بی بهره ام کرده‌ای یا شاید

رَأَیْتَنِی آلَفَ مَجَالِسِ الْبَطَّالِیْنَ فَبَیْنِی وَبَیْنَهُمْ خَلَّیْتَنِی أَوْ لَعَلَّکَ لَمْ
مرا مأنوس با مجالس بیهوده گذرانم دیده‌ای پس مرا به آنها واگذاشته‌ای یا شاید

تُحِبُّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِی فَبَاعَدْتَنِی أَوْ لَعَلَّکَ بَجُرْمِی وَجَرِیرَتِی
دوست نداشتی دعایم را بشنوی پس از درگاهت دورم کرده‌ای یا شاید به جرم و گناهم کیفرم داده‌ای

كَافَیْتَنِی أَوْ لَعَلَّکَ بِقَلَّةِ حَیَائِی مِنْکَ جَازَیْتَنِی فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ
یا شاید به بی شرمی‌ام مجازاتم کرده‌ای پس اگر از من بگذری پروردگارا

فَطَالَ مَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبِیْنَ قَبْلِی لِأَنَّ کَرَمَکَ أَى رَبِّ یَجِلُّ عَنْ
بجاست چون بسیار اتفاق افتاده که از گنهکاران پیش از من گذشته‌ای زیرا کرم تو پروردگارا برتر از

مُكَافَاتِ الْمُقْصِرِیْنَ وَآ نَا عَائِدٌ بِفَضْلِکَ هَارِبٌ مِنْکَ إِلَیْکَ مُتَنَجِّزٌ مَا

کیفر کردن تقصیرکاران است و من پناهنده به فضل توام و از ترس تو به‌سوی خودت گریخته‌ام و درخواست

وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا
انجام وعده‌ات را در چشم پوشی از کسی که خوش گمان به تو است دارم. خدایا تو فضلت و سیه‌تر

وَأَعْظَمَ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايِسَنِي بِعَمَلِي أَوْ أَنْ تَسْتَزِلَّنِي بِخَطِيئَتِي وَمَا
و بردباری‌ات بزرگتر از آن است که مرا به کردارم بسنجی یا اینکه مرا به خطایم بلغزانی و چه

أَنَا يَا سَيِّدِي وَمَا خَطَرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ سَيِّدِي وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ
هستم من ای آقای من و چه ارزشی دارم؟ مرا به فضل خویش ببخش ای آقای من و بر من

بِعَفْوِكَ وَجَلَّلْنِي بِسِتْرِكَ وَأَعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ سَيِّدِي
با عفو خود نیکی کن و با پرده پوشی‌ات بیوشانم و درگذر از سرزنش کردنم به بزرگواری ذاتت، آقای من

أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ وَأَنَا الصَّالُّ الَّذِي
من همان بنده خردسالی هستم که پروریدی و همان نادانی هستم که دانایش کردی و همان گمراهی هستم که

هَدَيْتَهُ وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتَهُ وَالْجَائِعُ الرَّاهِنِمَائِيَّاشِ الَّذِي
بلندش کردی و همان ترسانی هستم که امانش دادی و گرسنه‌ای هستم

الَّذِي أَشْبَعْتَهُ وَالْعَطْشَانُ الَّذِي أَرْوَيْتَهُ وَالْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ
که سیرش کردی و تشنه‌ای هستم که سیرایش کردی و برهنه‌ای هستم که پوشاندیش

وَالْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ وَالضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ وَالذَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ
و نداری هستم که دارایش کردی و ناتوانی هستم که نیرومندش کردی و خواری هستم که عزیزش کردی

وَالسَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ وَالسَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ وَالْمُذْنِبُ الَّذِي
و دردمندی هستم که درمانش کردی و خواهنده‌ای هستم که عطایش کردی و گنهکاری هستم که

سَتَرْتَهُ وَالْخَاطِئُ الَّذِي أَقْلَنْتَهُ وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ وَالْمُسْتَضَعْفُ
گناهانش را پوشاندی و خطاکاری هستم که از او گذشتی و اندکی هستم که بسیارش کردی و خوارش‌مرده‌ای
هستم

الَّذِي نَصَرْتَهُ وَأَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي آوَيْتَهُ أَنَا يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكْ

که یاری اش کردی و آواره‌ای هستم که جا و مأوایش دادی. منم پروردگارا آن کسی که در خلوت از تو شرم نکردم

فِي الْخَلَاءِ وَلَمْ أُرَاقِبْكَ فِي الْمَلَأِ أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى أَنَا
و در آشکارا هم رعایت تو را نکردم. منم صاحب مصیبت‌ها و ماجراهای بزرگ، منم

الَّذِي عَلَى سَيِّدِهِ اجْتَرَى أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ أَنَا الَّذِي
کسی که بر آقای خود دلیری کرده، منم کسی که نافرمانی برپادارنده آسمان‌ها را کرده‌ام. منم کسی که

أَعْطَيْتُ عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ الرُّشَا أَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا
برای نافرمانی‌های بزرگی که کرده‌ام رشوه داده‌ام، منم آن کسی که هرگاه نوید گناهی رابه من می‌دادند

خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْعَى أَنَا الَّذِي أَمَهَلْتَنِي فَمَا ارْعَوَيْتُ وَسَتَرْتُ عَلَى
به‌سویش شتابان می‌رفتم. منم که مهلتم دادی ولی من به خود نیامدم و بر من پوشاندی

فَمَا اسْتَحْيَيْتُ وَعَمِلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَذَّيْتُ وَأَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ
ولی من شرم نکردم و نافرمانی‌ها کردم و از حد گذراندم و از چشم خود مرا انداختی و من اعتنا نکردم

فَمَا بِالْيَتِّ فَبِحِلْمِكَ أَمَهَلْتَنِي وَبِسِتْرِكَ سَتَرْتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ أَغْفَلْتَنِي
پس باز هم به بردباری‌ات مهلتم دادی و به پرده پوشی‌ات مرا پوشاندی تا بدانجا که گویا از یاد من بیرون رفتی

وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَنِي إِلَهِي لَمْ
و از کیفرهای گناهان مرا دور داشتی تا به حدی که گویا از من شرم کردی. خدایا در

أَعَصَيْكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَأَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَا حِدٌ وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ
هنگام گناه که من نافرمانی‌ات کردم نه از باب این بود که پروردگاری‌ات را منکر بودم و یا دستورت را سبک شمردم

وَلَا لِغَفُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَلَا لِوَعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ لَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ
و یا خود را در معرض کیفرت درآوردم و یا تهدیدهای تو را بی ارزش فرض کردم، بلکه گناهی بود که پیش آمد

وَسَوَّلْتُ لِي نَفْسِي وَغَلَبَنِي هَوَايَ وَأَعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي وَغَرَّنِي
و نفس سرکش نیز آن‌را آراست و هوای نفس نیز چیره شد و بدبختی هم کمک کرد و پرده آویخته

سِتْرَكَ الْمُرْخَى عَلَى فَقْدِ عَصِيَّتِكَ وَخَالَفْتُكَ بِجَهْدِي فَلَا أَنْ مِنْ
(پرده پوشی تو) هم مرا مغرور کرد و در نتیجه تا آنجا که می‌توانستم در نافرمانی و مخالفت تو کوشیدم، ولی

اکنون کیست که

عَذَابِك مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي وَمِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ عَدَاً مَنْ يَخْلِّصُنِي
از عذاب تو مرا نجات دهد و از دست دشمنان در فردای قیامت چه کسی خلاصم کند

وَبِحَبْلِ مَنْ اتَّصِلُ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي فَوَاسُوْ أَنَا عَلَى مَا
و به ریسمان چه کسی چنگ زنم اگر تو رشته خود را از من قطع کنی. پس چه رسوایی است برای من

أَحْصَى كِتَابُكَ مِنْ عَمَلِي الَّذِي لَوْلَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ
بر آنچه نامه تو از عمل من شماره و احصا کرده که اگر امید من به کرمت و وسعت

رَحْمَتِكَ وَنَهْيِكَ إِيَّايَ عَنِ الْقُنُوطِ لَقَنْطُتُ عِنْدَمَا أَتَذَكَّرُهَا يَا خَيْرَ
رحمتت نبود و از ناامید شدن بازم نمی‌داشتی به محض آنکه به یاد آنها می‌افتادم یکسره ناامید می‌شدم. ای
بهترین

مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَ أَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ اَللّٰهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ اَتَوَسَّلُ
کسی که خواندش خواننده ای و برترین کسی که امیدش دارد امیدواری. خدایا به پیمان اسلام به درگاهت توسل
جویم

إِلَيْكَ وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ اَعْتَمِدُ إِلَيْكَ وَبِحُبِّي النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الْقُرْشِيَّ
و به حرمت قرآن بر تو اعتماد کنم و به دوستی و محبتی که به پیامبر امی قرشی

الْهَاشِمِيَّ الْعَرَبِيَّ التَّهَامِيَّ الْمَكِّيَّ الْمَدَنِيَّ أَرْجُو الرُّفْقَةَ لَدَيْكَ فَلَا
هاشمی عربی تهامی مکی مدنی دارم امید تقرب به تو را دارم. پس تو انس ایمانی مرا مبدل به

تَوْحِشٍ اسْتِينَاسٍ اِيْمَانِي وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَبَدَ سِوَاكَ
وحشت مکن و پاداشم را پاداش آن کس که جز تو را پرستیده قرار مده

فَإِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِالسِّنْتِهِمْ لِيُحَقِّقُوا بِهِ دِمَائَهُمْ فَأَذْرَكُوا مَا أَمَلُوا وَإِنَّا
زیرا مردمی بودند که به زبان ایمان آوردند تا بدان وسیله خون خود را حفظ کنند و بدین مقصود هم رسیدند ولی
ما

أَمَّا بِكَ بِالسِّنْتِنَا وَقُلُوبِنَا لِنَتَغَفُوْ عَنَّا فَأَذْرِكُنَا مَا أَمَلْنَا وَتَبَّتْ رَجَائِكَ
به دل و زبان به تو ایمان آوردیم تا از ما بگذری. پس ما را هم به مقصودمان برسان و امیدت را

فِي صُدُورِنَا وَلَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ
در دل‌های ما ثابت و محکم فرما و منحرف دل‌های ما را، پس از آنکه هدایت‌مان کردی و ببخش به ما از نزد
خود

رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ فَوَعِّزْكَ لَوْ أَنْتَ هَرَّتَنِي مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ
رحمتی که به‌راستی تویی بسیار بخشنده. به عزتت سوگند اگر برانیم من هرگز از در خانه‌ات برنخیزم

وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَلْهِمَ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ
و دست از تملق و چاپلوسی‌ات بردارم چون شناسایی کرم‌ت و رحمت وسیعت به دلم الهام شده،

رَحْمَتِكَ إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ وَإِلَى مَنْ يَلْتَجِي
بنده به نزد چه کسی رود جز به درگاه مولایش و

الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ إِلَهِي لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ وَمَنْعَتَنِي سَيِّبِكَ
مخلوق به که پناهنده شود جز به خالقش؟ خدایا اگر مرا به زنجیر و بند گرفتارم کنی

مَنْ بَيْنَ الْأَشْهَادِ وَذَلَّلْتَ عَلَى فَضَائِحِي عُيُونَ الْعِبَادِ وَأَمَرْتَ بِي
و بازداری از من عطایت را در میان انظار مردم و رسوایی‌هایم را به چشم بندگان آری و دستور بردنم را

إِلَى النَّارِ وَخُلْتُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتُ رَجَائِي مِنْكَ وَمَا
به‌سوی دوزخ صادر کنی و میان من و نیکان حائل گردی، من هرگز امیدم را از تو قطع نخواهم کرد و

صَرَفْتُ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ وَلَا خَرَجَ حُبِّكَ مِنْ قَلْبِي أَوْ لَا أَنْسَى
آرزومندی‌ام را از عفو تو بازنگردانم و بیرون نرود محبتت از دلم و من

أَيَادِيكَ عِنْدِي وَسِتْرَكَ عَلَى فِی دَارِ الدُّنْيَا سَيِّدِي أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا
نعمت‌هایی که در دنیا به من دادی و پرده پوشی‌هایت را فراموش نمی‌کنم. ای آقای من، محبت دنیا را

مِنْ قَلْبِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى وَآلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ
از دلم بیرون کن و جمع کن میان من و میان (پیامبرت حضرت) مصطفی(ص) و آلش برگزیدگان خلقت

وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَانْقُلْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ
و خاتم پیامبران محمد صلی الله علیه و آله و مرا به درجه توبه و بازگشت

إِلَيْكَ وَأَعِنِّي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْأَمَالَ
به‌سویت برسان و یاری‌ام ده به گریه کردن بر خویشتن، زیرا که من عمرم را به امروز و فردا کردن و آرزوها

عُمْرِي وَقَدْ نَزَلْتُ مَنَزِلَةَ الْإِيسِينَ مِنْ خَيْرِي فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالاً
گذراندم و درآمده‌ام در جایگاه ناامیدان از خیر خودم، پس کیست که بدحال‌تر از من باشد

مَنِّي إِنْ أَنَا نُقِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِي لَمْ أَمْهِّدْهُ لِرَفْدَتِي وَلَمْ
اگر من بر این حال به‌سوی قبرم منتقل گردم زیرا که آماده اش نکرده‌ام برای خوابیدنم

أَفْرَشُهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِصُجْعَتِي وَمَالِي لَا أَبْكِي وَلَا أَذْرى إِلَى مَا
و فرش نکرده‌ام آنرا به عمل صالح برای آرمیدنم و چرا گریه نکنم در صورتی که نمی‌دانم به چه سرنوشتی

يَكُونُ مَصِيرِي وَأَرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي وَأَيَّامِي تُخَاتِلُنِي وَقَدْ
دچار گردم؟ من نفس خود را چنان بینم که با من نیرنگ زند و روزگارم را که مرا بفریبد

خَفَقْتُ عِنْدَ رَأْسِي أَجْنَحَهُ الْمَوْتِ فَمَالِي لَا أَبْكِي أَبْكِي لِخُرُوجِ
در حالی که مرگ بال‌های خود را بر سرم گسترده پس چرا گریه نکنم؟ گریه کنم برای جان دادنم

نَفْسِي أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي أَبْكِي لِضِيقِ لَحْدِي أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ
گریه کنم برای تاریکی قبرم، گریه کنم برای تنگی لحدم، گریه کنم برای سوال نکیر

وَنَكِيرِ إِيَّايَ أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عَزِيَاناً ذَلِيلاً حَامِلاً ثَقُلِي
و منکر از من، گریه کنم برای بیرون آمدنم از قبر برهنه و خوار که بار سنگینم را

عَلَى ظَهْرِي أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَأُخْرَى عَنْ شِمَالِي إِذِ الْخَلَائِقُ
به پشتم بار کرده. یکبار از طرف راستم بنگرم و بار دیگر از طرف چپ و هریک از خلائق را

فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يَغْنِيهِ وَجُوهٌ
در کاری غیر از کار خود ببینم. برای هر یک از آنها در آن روز کاری است که به خود مشغولش دارد چهره‌هایی

يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهٌ يُومِئِدُ عَلَيْهَا غَبْرَةٌ
در آن روز گشاده و خندان و شادمانند و چهره‌هایی در آن روز غبارآلود است و سیاهی و خواری آنها را

تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ وَذُلُّهُ سَيْدِي عَلَيْكَ مُعْوَلِي وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي

فراگرفته ای آقای من بر تو است تکیه و اعتماد و امید

وَتَوَكَّلْ عَلَىٰ رَبِّكَ تَعَلَّقْ بِرَحْمَتِكَ مَن تَشَاءُ وَنَهْدِي
و توکلم و به رحمت تو آویخته‌ام، به رحمت خود رسانی هر ه را خواهی و به کرامتت راهنمایی کنی

بِكِرَامَتِكَ مَن تُحِبُّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ مَا نَقَّيْتَ مِنَ الشَّرِّ قَلْبِي
هر که را دوست داری پس ستایش تو را است بر اینکه دلم را از آلودگی شرک پاک کردی

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ بَسْطِ لِسَانِي أَفِيلِسَانِي هَذَا الْكَلَّ اشْكُرْكَ أَمَّ
و برای تو است ستایش برای باز کردنت زبانم را، آیا به این زبان گندم سپاس تو را گویم یا

بِغَايَةِ جَهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ وَمَا قَدَّرَ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ
با نهایت کوشش در کردارم تو را خوشنود سازم؟ و چه ارزشی دارد زبانم پروردگارا در برابر

شُكْرِكَ وَمَا قَدَّرَ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَإِحْسَانِكَ [إِلَى] إلهي إِنَّ جُودَكَ
سپاس تو و چه ارزشی دارد کردارم در کنار نعمت‌هایت و احسانی که به من کردی خدایا به‌راستی بخشش تو

بَسْطَ أَمَلِي وَشُكْرِكَ قَبْلَ عَمَلِي سَيَدِي إِلَيْكَ رَغَبْتِي وَإِلَيْكَ رَهْبَتِي
آرزویم را گسترانید و شکر تو کردارم را پذیرفت آقای من اشتیاق من به‌سوی تو است و هراسم از تو است

وَإِلَيْكَ تَأْمِيلِي وَقَدْ سَأَفُنِي إِلَيْكَ أَمَلِي وَعَلَيْكَ يَا وَاحِدِي عَكْفْتُ
و آرزو و امیدم به‌سوی تو است و آرزویم مرا به‌سوی تو کشانده و همتم ای خدای یگانه من به‌درگاه تو نشیمن
کرده

هَمَّتِي وَفِيمَا عِنْدَكَ انْبَسَطَتْ رَغَبْتِي وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَخَوْفِي
و در آنچه پیش تو است (جامه) شوقم (دامن) گسترده و امید خالص و ترسم

وَبِكِ انْسَتْ مَحَبَّتِي وَإِلَيْكَ الْقَيِّتُ بِيَدِي وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ
تنها از تو است و به تو محبتم انس گرفته و دست به جانب تو انداخته‌ام و به ریسمان اطاعت تو بند کردم

رَهْبَتِي [يَا] مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي وَبِمُنَاجَاةِكَ بَرَدْتُ أَلَمْ
ترسم را ای مولای من به یاد تو دلم زنده است و به راز و نیاز تو سوزش

الْخَوْفِ عَنِّي يَا مَوْلَايَ وَيَا مُؤَمِّلِي وَيَا مُنْتَهَى سَوْلى قَرِّ بَيْنِي

ترسم را تسکین بخشم پس ای مولای من و ای آرزویم و ای آخرین سرحد خواسته‌ام میان

وَبَيْنَ ذَنْبِي الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ
من و گناه‌ام را که مانع از ملازمت اطاعت تو است جدایی بینداز و این خواهشی که من از تو می‌کنم به خاطر
همان امید دیرینه ای است

فِيكَ وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَي نَفْسِي مِنَ الرَّأْفَةِ
که به تو دارم و برای آن طمع بزرگی است که درباره‌ات دارم که تو رأفت و مهربانی را برای بندگان بر خود فرض
کرده‌ای

وَالرَّحْمَةِ فَالْأَمْرُ لَكَ وَحَدَكْ لَا شَرِيكَ لَكَ وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ
پس امر و فرمان از آن تو است یگانه‌ای که شریک نداری و خلائق همگی جیره خوار تو

وَفِي قَبْضَتِكَ وَكُلُّشَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ تَبَارَكْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ إِلَهِي
و در قبضه اقتدار تو و خاضع درگاه تواند برتری ای پروردگار جهانیان. خدایا

ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي وَكَلَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي وَطَاشَ عِنْدَ
به من رحم کن در آن هنگامی که حجت و دلیل قطع شود و زبانه از پاسخ تو لال گردد و هوش در هنگام

سُؤَالِكَ إِيَّايَ لُبِّي فَيَا عَظِيمَ رَجَائِي لَا تُخَيِّبْنِي إِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي
بازرسی‌ات از سرم ببرد. پس ای بزرگ امیدم مرا نومید مکن در آن هنگام که سخت نیازمندم و به خاطر

وَلَا تَرُدَّنِي لِجَهْلِي وَلَا تَمْنَعْنِي لِقَلَّةِ صَبْرِي أَعْطِنِي لِفَقْرِي
نادانی‌ام مرا از درگاهت مران و برای کم طاقتی‌ام مهتر را از من بازمدار به خاطر نیازی که دارم به من بده و برای
ناتوانی‌ام

وَارْحَمْنِي لِضَعْفِي سَيِّدِي عَلَيَّكَ مُعْتَمِدِي وَمُعَوَّلِي وَرَجَائِي
به من رحم کن ای آقای من. بر تو است اعتماد و تکیه و امید

وَتَوَكَّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي وَبِفَنَائِكَ أَحْطُ رَحْلِي وَبِجُودِكَ أَقْصِدُ
و توکل من و مهر تو است دستاویزم و به آستان تو بار (حاجت) اندازم و به جود تو خواهشم را

طَلَبْتِي وَبِكَرَمِكَ أَيَّ رَبِّ أَسْتَفْتِي دُعَائِي وَلَدَيْكَ أَرْجُو فَاقْتِنِي
جویم و به کرم تو ای پروردگار من دعایم را آغاز کنم و از پیش تو امید رفع نیاز و احتیاج خود را دارم

وَبِغْنَاكَ أَجْبُرُ عَيْلَتِي وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي وَإِلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ
به توانگری تو جبران نداریم کنم و زیر سایه عفو تو به‌پا ایستم و به جود و کرم تو

أَرْفَعُ بَصْرِي وَإِلَى مَعْرُوفِكَ أُدِيمُ نَظْرِي فَلَا تُحْرِقْنِي بِالنَّارِ وَأَنْتَ
دیده بگشایم و به نیکی تو چشم دوزم پس مرا به آتش مسوزان با اینکه مرکز آرزوی منی و در دوزخم

مَوْضِعُ أَمَلِي وَلَا تُسْكِنْنِي الْهَاطِيَةَ فَإِنَّكَ قُرَّةُ عَيْنِي يَا سَيِّدِي لَا
سکونت مده که تو نور چشم منی ای آقای من

تُكَذِّبُ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ وَمَعْرُوفِكَ فَإِنَّكَ ثِقَّتِي وَلَا تَحْرِمْنِي ثَوَابَكَ
گمان مرا به احسان و نیکی‌ات دروغ و بی اصل مکن زیرا تو مورد اطمینان محکم منی و از پاداش نیکی‌ات
محرومم مساز که